



همانا که یزدان به هر چیز هست
به علمی فراگیر بنهاده دست
زمین و سماوات از آن اوست
همه ملک او تحت فرمان اوست
کند زنده و باز میراند او
شمارا سوی خویش میخواند او
ندارید یاور به جز کردگار
شما را خداوند یکتاست یار
همانا رحیم است پروردگار
رنوف است بر بندگان کردگار

ترجمه شعری قرآن کریم از استاد «امید مجد»،
آیاتی چند از سوره توبه





دوستان عزیز برای تماس با ما می‌توانید از پل ارتباطی Email: abtabjournal@gmail.com استفاده کنید و یا با شماره تلفن‌های ۰۹۳۸۱۹۶۰۴۹۲ و ۰۹۳۶۷۲۲۰۳۲۰ تماس حاصل فرمائید. شما می‌توانید مطالب خود را به Email: abtabarticle@gmail.com ارسال فرمائید. هر یک از شما دوستان عزیز در ایران و حتی دور از مرزهای سرزمین مادری، می‌توانید خبرنگار اقتخاری ما باشید. مطالب شما در صورت تأیید صحت آنان توسط کارشناسان آبتاب به نام خودتان چاپ خواهند شد. لطفا نظرات، پیشنهادات و راهکارهای سازنده خود را از ما دریغ نفرمائید. ماهنامه آبتاب هر ماه به بهترین پیشنهادها، راهکارهای سازنده و مقالات هدیه‌ای به رسم یادبود اهداء خواهد کرد. از اینکه همراه و یاور ما در راه اعتلای فرهنگ کشور عزیزمان ایران هستید، صمیمانه از شما سپاسگزاریم. استفاده از مطالب با ذکر منبع بلامانع است.



نشریه آبتاب

دوره انتشار: ماهنامه

موضوع: فرهنگی-اجتماعی

زبان: فارسی

شروع انتشار: ۳۰ آذر ماه ۱۳۹۴

صاحب امتیاز: مدیر مسئول و سردبیر: فاطمه مهسا کارآموزیان

رئیس شورای سیاست‌گذاری: مرتضی رجائی خراسانی

مشاور حقوقی: سید جمال موسوی

مدیر اجرایی: آذر سعیدلونیا

محل انتشار: تهران

توزیع: سراسری

آدرس: تهران، شهرک غرب، خیابان گل افشان.

آدرس وب سایت: <http://abtabjournal.ir>

ضریب کیفی نشریه فرهنگی اجتماعی آبتاب بر اساس جلسه مورخ ۹۴/۱۲/۳

معاونت امور مطبوعاتی و اطلاع‌رسانی برابر با ۶۸ اعلام شده است.

سخن سردبیر

فاطمه مهساکار آموزیان

یکی از مشکلاتی که در همه جوامع وجود دارد، بی‌خانمانی و کارتن خوابی است. طبق قوانین حقوق بشر هر انسانی حق برخورداری از مسکن مناسب را دارد و نباید از این حیث تبعیضی وجود داشته باشد. در حال حاضر، بی‌خانمانی در جهان به یک بحران تبدیل شده است. اکثر استراتژی‌هایی که برای ساماندهی این افراد بکار برده می‌شده، با شکست مواجه شده‌اند. هنوز نیاز به نظارت مؤثر و یا ارائه راهکارهای منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای احساس می‌شود. قبل از هر چیز باید شناخت صحیحی از پدیده کارتن خوابی در هر منطقه از جهان ایجاد شود و به دنبال آن تجارب و راهکارهای مؤثر مبادله گردند. رفع کارتن خوابی در یک جامعه از جمله مواردی است که همراهی، مشارکت و کمک عموم مردم را مطالبه می‌کند.

حکومت‌ها باید موظف باشند تا از افراد آسیب دیده و کارتن خواب که اغلب فقیر و یا معتاد هستند، حمایت کنند. برای حمایت از این افراد نیاز است تا ساختمان‌هایی برای اسکان در اختیارشان قرار داده شود. توجه به سلامت، بهداشت و درمان بی‌خانمان‌ها اهمیت ویژه‌ای دارد، چراکه بر حفظ سلامت عمومی جامعه نیز تأثیر مثبت می‌گذارد. خوابگاه‌هایی که برای اسکان بی‌خانمان‌ها تدارک دیده می‌شوند، بایستی مجهز به تهویه بوده و از روشنایی مطلوب برخوردار باشند. فضای خواب آنان نیز باید به اندازه کافی بزرگ بوده و وسائلی مورد نیاز مانند: پتو، ملافه و سایر وسائلی رفاهی و بهداشتی در اختیارشان قرار گیرد. تأسیسات و امکانات در حد نیاز آنان وجود داشته باشند. قوانین بهداشتی در این خوابگاه‌ها باید در حد استاندارد حفظ شوند. به خانواده‌ها اتاقی خصوصی داده شود.

باید گفت که علاوه بر فقر، جنگ نیز یکی از عواملی است که منجر به بی‌خانمانی افراد بسیاری می‌شود. افراد پناهنده به سایر کشورها اغلب از بی‌خانمانی رنج می‌برند. به امید روزی که جنگ، فقر و بی‌خانمانی از همه جوامع برچیده شود و همه انسان‌ها به دور از هر تبعیضی از حداقل نیازهای اساسی برای زندگی بهره‌مند شوند.



خوشا به حال آنان که نیاز خود را به خدا احساس می‌کنند، زیرا ملکوت
آسمان از آن ایشان است.

خوشا به حال ماتم زندگان، زیرا ایشان تسلی خواهند یافت.

خوشا به حال فروتنان، زیرا ایشان مالک تمام جهان خواهند گشت.

خوشا به حال گرسنگان و تشنگان عدالت، زیرا سیر خواهند شد.

خوشا به حال آنان که مهربان و باگذشت‌اند، زیرا از دیگران گذشت خواهند دید.

خوشا به حال پاک‌دلان، زیرا خدا را خواهند دید.

خوشا به حال آنان که برای برقراری صلح در میان مردم کوشش می‌کنند.

خوشا به حال آنان که به سبب نیک‌کردار بودن آزار می‌بینند، زیرا ایشان از

برکات ملکوت آسمان بهره‌مند خواهند شد.

(انجیل متی، ۱۰-۱: ۵)

گروه فرهنگی آبتاب تولد عیسی مسیح (ع) و آغاز سال نو میلادی را خدمت
همه فارسی‌زبانان مسیحی تبریک می‌گوید. امیدواریم که سال جدید، سال
صلح و آرامش برای جهانیان باشد.

سخنان مقام معظم رهبری (مد ظله العالی)
درباره فقر و ناامنی



یکی از کارهایی که باید انجام دهیم، این است که صحنه را از سه دشمن بزرگ، یعنی «فقر»، «ناامنی» و «بی سوادی» پاک کنیم. اساس سیاست کلی اقتصادی کشور، عبارت از «رفاه عمومی» و «عدالت اجتماعی» است. علاج فقر به شکل اصولی در هر جامعه ای، از راه استقرار «عدالت اجتماعی» و «نظام عادلانه» در محیط جامعه است تا کسانی که اهل دست اندازی به حقوق دیگرانند، نتوانند ثروتی را که حق همگان است، به سود خود مصادره کنند. عوامل انحطاط و عقب ماندگی سه چیز: فقر، فساد و تبعیض است. اگر با «فقر» و «فساد» و «تبعیض» در کشور مبارزه شود، اصلاحات به معنای حقیقی، اصلاحات انقلابی و اسلامی تحقق پیدا خواهد کرد. مشکلات ما از این سه پایه شوم و از این سه عنصر مخرب است. ناامنی هم که داریم، به خاطر همین است. بسیاری از ناامنی‌ها به خاطر فقر است و بسیاری به خاطر فساد است. با فقر باید مبارزه شود. انسانی که امکان زندگی در حد نیاز و ضروری را ندارد، همان چیزی است که از قول پیامبر نقل شده است که «كَادَ الْفَقْرَانُ يَكُونُ كُفْرًا». فقر، انسان را به فساد، به خیانت و به بسیاری از راه‌ها می‌کشانند. البته، انسان‌های مؤمن، باید مقاومت کنند و این مجوز نمی‌شود که افرادی بخواهند به این بهانه، از مسیر صحیح منحرف بشوند؛ فقر این خطرها را دارد.



یک داوطلب می‌گوید: کمک کردن نقش مهمی را در حمایت از جوانان ایفاء می‌کند

کارپس لوئیس گفت که تقاضا زیاد خواهد بود،
اگر این برنامه اجرا شود.



یکی از کارکنان جوان برای کمک به بی‌خانمان‌ها گفت که چگونه حمایت از این افراد زندگی آنها را متحول می‌کند. «کارپس لوئیس»، ۳۶ ساله با دو نفر داوطلب دیگر یک مرکز آزمایشی با یک خط تلفن برای کمک به بی‌خانمان‌ها راه‌اندازی کرده‌اند. او گفت که در حال حاضر تماس‌های زیادی برای گرفتن کمک وجود دارد، اما فقط به افرادی پاسخ خواهیم داد که نیاز مبرم به پشتیبانی و حمایت دارند. ما یک خط تلفن برای افراد ۱۶-۲۵ ساله اختصاص داده ایم که یا بی‌خانمان هستند و یا در شرف بی‌خانمانی می‌باشند. مشکل این افراد صرفاً بی‌مسکنی نیست. آنان اغلب با مسائل گسترده‌تر از جمله: سلامت روان، اعتیاد و فروپاشی خانواده مواجه هستند. هر ساله بیش از ۱۵۰۰۰۰ جوان با مشکل بی‌خانمانی مواجه هستند که برای گرفتن مسکن به مقامات محلی مراجعه می‌کنند، ولی بیش از یک سوم آنها هیچ کمکی دریافت نمی‌کنند. خانم لوئیس که ۱۴ سال سابقه کار با جوانان بی‌خانمان را دارد، گفت که تماس با کانون اولین نقطه ارتباطی ماست.

در این میان جوانانی بوده‌اند که رابطه آنان با والدین و یا خانواده خدشه دار شده است و آنها دیگر نمی‌توانستند در آن خانه بمانند. در این شرایط اگر جوانان حمایت نشوند یا از خانه فرار می‌کنند و مورد خشونت و سوء استفاده قرار می‌گیرند. این داوطلب افزود که وجود خط تماس ارتباطی با جوانان، یکی از بهترین راه‌های دسترسی به آنهاست. وقتی آنها با ما تماس می‌گیرند، ما حرف‌های آنها را می‌شنویم و به آنها مشاوره داده و توصیه‌های مورد نیاز را انجام می‌دهیم. برخی از آنان حتی اگر بسیار آسیب پذیر باشند، حاضر نیستند که برای دریافت کمک به مسئولین مراجعه نمایند. افرادی نیز در این میان وجود دارند که بعد از تقاضای کمک یک بار پاسخ رد شنیده‌اند، و دیگر درخواست خود را تکرار نکرده‌اند. این افراد، از آن به بعد در کوچه و خیابان دنبال کمک هستند.

افراد بی‌خانمان تجربه‌ای دردناک دارند که روحیه آنها را ضعیف و خسته کرده است. آنها فکر می‌کنند، کسی وجود ندارد که واقعا به آنها کمک کند، لذا روحیه‌ای



پرخاشگرانه دارند، توهین می‌کنند و یا به مواد مخدر روی می‌آورند. از طرف دیگر کمبود مسکن نیز به عدم ساماندهی این افراد دامن می‌زند. برخی از این افراد نیاز به حمایت جدی دارند که در این میان باید گفت که کمک‌های مؤسسات خیریه و کانون‌های مردمی می‌تواند بسیار مؤثر باشد.

منبع:

<http://www.independent.co.uk/news/homelesshelpline/homeless-helpline-pilot-volunteer-hails-massive-role-project-will-play-in-helping-vulnerable-young-a7496271.html>





کارتن خوابی روبه افزایش است. این یک رسوائی است، اما ما می توانیم آن را رفع کنیم!

بی خانمان ها باید خیلی سریع حمایت شوند، تا ابعاد آسیب کاهش یابد.

زمستان فصل دشواری برای افراد بی خانمان است. این افراد در فصل سرما و برف نیاز به حمایت جدی و کمک دارند. در این میان داوطلبانی وجود دارند که مسکن و غذا در اختیار این افراد قرار می دهند و یا کارهای آرایشگری آنها را انجام داده و لباس تمیز و نوبه تن شان می پوشانند.

برای بررسی بحران بی خانمانی در انگلیس ۴۵۸ مورد در ۲۱ مکان مورد ارزیابی قرار گرفتند. این یافته ها نشان می دهند که:

- * تقریباً هشت نفر از ده نفر (۷۹٪) دچار نوعی جرم و جنایت و یا رفتار ضد اجتماعی هستند.
- * وسایل بیش از نیمی از آنان (۵۴٪) هنگامی که در خیابان بوده اند، دزدیده شده است.
- * تقریباً از هر چهار نفر یک نفر (۲۳٪) وسایل خود را عمدتاً بعد از بی خانمانی تخریب کرده اند.
- * بیش از نیمی از این افراد (۵۵٪) از افراد ناشناس ضربه، لگد و کتک خورده اند.

*بیش از (۵۳٪) از آنها آخرین خشونت‌تی را که تحمل کرده‌اند را به پلیس گزارش نداده‌اند؛ چرا که فکر می‌کردند پلیس کاری برای آنها انجام نمی‌دهد.

یک مرد کارتن خواب به پژوهشگران گفت که هر اتفاقی که بیوفتد، ما همیشه به شانه‌های خودمان تکیه می‌کنیم. ما به هیچ کس اعتماد نداریم. او افزود که تنها افراد بی‌خانمان یکدیگر را حمایت می‌کنند. من خوشحال هستم که آنها را پیدا کرده‌ام.



بی‌خانمان‌ها معمولاً از خشونت رنج می‌برند و اغلب مورد سرقت قرار می‌گیرند. آمارها نشان می‌دهند که زنان (۵۴٪) بیش از مردان (۵۰٪) بی‌خانمان می‌شوند و این بیانگر آسیب پذیرتر بودن آنان است. (۶۵٪) از زنانی که بی‌خانمان بودند، خشونت جنسی را تجربه کرده و مورد آزار قرار گرفته بودند. همچنین، آنان نسبت به مردان بیشتر مورد خشونت کلامی قرار داشتند. برخی از این بی‌خانمان‌ها هنگامی که در هوای سرد برای گرم کردن خود آتش روشن می‌کنند و در کنار آن می‌خوابند، دچار سوختگی می‌شوند. مواردی گزارش شده‌اند که حتی منجر به فوت این افراد شده است.

این پژوهش نشان می‌دهد که اقدام فوری برای رفع بی‌خانمانی توسط پلیس و دولت - هر دو - مورد نیاز است. بایستی نگرش نسبت به پدیده بی‌خانمانی و کارتن خوابی عوض شود. این افراد در صورت حمایت می‌توانند به طور کامل بهبود یابند و روند یک زندگی موفق را طی کنند.

منبع:

<https://www.theguardian.com>



گزارشی بحرانی از خطرانی تکان دهنده که بی خانمان ها را تهدید می کنند!

در یک نظرسنجی در انگلیس نشان داده شد که بی خانمان ها ۱۵ برابر بیشتر از یک فرد عادی در معرض خشونت هستند. افراد بی خانمان و کارتن خواب برای زنده ماندن مبارزه می کنند. ارزیابی نشان می دهد که:

- * بیش از یک نفر از سه نفر تجربه لگد خوردن، و یا سایر اشکال خشونت را تجربه کرده اند.
- * بیش از یک سوم (۳۴٪) تجربه پرتاب اشیاء به سمت شان داشته اند.
- * تقریباً یک نفر از ده نفر (۹٪) زمانی که بی خانمان شده، مشکل شب اداری پیدا کرده است.
- * بیش از یک نفر از بیست نفر (۷٪) قربانی تجاوز جنسی بوده است.
- * تقریباً نیمی (۴۸٪) مورد ارباب قرار گرفته اند و یا تهدید به اعمال خشونت شده اند.
- * شش نفر از ۱۰ نفر (۵۹٪) مورد آزار کلامی قرار گرفته اند.

افرادی که کارتن خواب هستند، قربانی خشونت و جرم واقع می شوند. این موضوع بسیار غم انگیز و وحشتناک است و به همین دلیل نیاز است تا به بی خانمانی و وضعیت دشوار زندگی این افراد خاتمه داده شود و بطور جدی از آنان حمایت شود.

منبع:

<https://www.theguardian.com>



بی‌خانمان‌ها از عدم امنیت غذایی رنج می‌برند

دکتر غلامرضا شریفی
متخصص بیوتکنولوژی کشاورزی



«ناامنی غذایی»، که به مفهوم "عدم دسترسی کافی به مواد غذایی است"، یک نگرانی عمومی جهانی است. شیوع ناامنی غذایی در میان افراد بی‌خانمان بالاست. آنان به طور ناعادلانه‌ای از ناامنی غذایی رنج می‌برند. شواهد نشان می‌دهند که حدود نیمی از افرادی که بی‌خانمان هستند، از ناامنی غذایی رنج می‌برند و اغلب مبتلا به «اچ آی وی» نیز هستند. همچنین، عواملی چون زن بودن، سن و سال، درآمد پائین این معضل را تشدید کرده است. «ناامنی غذایی»، در افراد بی‌خانمان علاوه بر آنکه سلامت جسمی آنها را تهدید می‌کند، سلامت روانی آنان را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد که این عوارض به مرور بحران را تشدید می‌کند. بنابراین، توجه به معیشت و تغذیه بی‌خانمان‌ها در کنار اسکان آنان بسیار اهمیت دارد. مصرف مواد مخدر در این افراد بودجه آنها را برای خرید غذا کاهش می‌دهد، به همین دلیل این افراد متوسل به دزدی و سرقت می‌شوند. هرچند، مطالعات کمی در ارتباط با «ناامنی غذایی» و «بی‌خانمانی» صورت گرفته است، اما باید اعتراف کرد که فقر با خود برای فرد گرسنگی می‌آورد. آمارها زمانی فاش می‌شوند که این افراد به هر عنوان در بیمارستان‌ها و مراکز درمانی بستری می‌شوند، لذا نیاز است تا بطور منطقه‌ای عوامل بروز بی‌خانمانی بررسی شده و برای رفع نیازهای آنان که مهم‌ترین آن در وهله اول مسکن، غذا و درمان است، اقدام شود. در این میان گروه‌های داوطلب و کانون‌ها خیریه می‌توانند، مواد غذایی را بصورت هدیه در اختیار این افراد قرار دهند و آنان را حمایت کنند تا به جامعه بازگردند. حضور پررنگ دولت و تصویب قانون حمایتی نیز بسیار اهمیت دارد. به امید روزی که فقر و ناامنی غذایی در سراسر جهان ریشه کن شود.



اسیدپاشی بر روی زنان



دکتر حسین بیات

حقوقدان و وکیل دادگستری، پژوهشگر حوزه حقوق عمومی

«اسیدپاشی»، تنها یکی از اشکال خشونت علیه زنان می باشد؛ اما آثار این خشونت احتمالاً بیش از هرگونه خشونت جسمانی دیگری بر جسم و روح زنان اثر می گذارد و از اهمیت بیشتری نزد افکار عمومی برخوردار است. همگی می دانیم که از دیرباز متأسفانه، جامعه ایرانی هم به لحاظ فرهنگی و هم به لحاظ حقوقی و سیاسی آبستن انواع و اقسام خشونت جسمی و روحی علیه زنان بوده و هست؛ اما چه علل و عواملی منجر به چنین تعرضی علیه زنان می شود؟ زمینه های شکل گیری رفتار تهاجمی توأم با خشونت علیه زنان از کجا نشأت می گیرد و راهکارهای از میان بردن رفتارهای خشونت آمیز علیه زنان چیست که متأسفانه، به آن کمتر توجه شده است. علت این کم توجهی را باید در دو عامل عمده جست. اول اینکه نظام حقوقی ایران در چنین جرائمی بر مقابله به مثل و تلافی استوار شده و بدین ترتیب، عملاً به اعمال حجم وسیعی از تقاضای خشونت متقابل دامن می زند. به شکلی که افکار عمومی جز با تلافی و خشونت دوباره ارضاء و اقیاع نمی شود. این شیوه اعمال مجازات عملاً موجبات ایجاد دور و تسلسل بی پایانی از خشونت را فراهم آورده است. آنچنان که به اصطلاح خون را جز با خون نمی شویند. البته، نگارنده این سطور به عنوان یک حقوقدان به هیچ عنوان منکر ضرورت اعمال مجازات بایسته جهت ایجاد بازدارندگی نیست؛ اما آنچه مورد انتقاد است، اتکاء و اکتفاء صرف به استفاده از نظام مجازات برای کاهش رفتارهای خشونت آمیز است؛ چرا که اگر اتکاء به چنین شیوه هائی در برخورد با جرائم این چنینی و یا جرائمی نظیر: «سرقت»، «قاچاق مواد مخدر»، «قتل عمد» و «تجاوز به عنف» کارآمد می بود، هم اکنون پس از



حجم وسیع اعدام‌ها و اجرای احکام قصاص و حتی مجازات‌های شدید نظیر: سنگسار و غیره می‌بایست شاهد کاهش چشمگیر ارتکاب چنین جرائمی می‌بودیم. اما برعکس، علیرغم همه ادعاهای مقامات انتظامی و قضائی ارتکاب چنین جرائمی نه تنها کاهش معناداری نداشته؛ بلکه در حال تزايد بوده و رو به گسترش است.

بنابراین، می‌بایست به جای برخورد کیفری با معلول به تحقیق در علت‌ها و دلایل بروز چنین رفتارهای غیرانسانی در جامعه پرداخت و در تعاقب اتخاذ راهکارهای خردمندانه و علمی برای بهبود اوضاع نابسامان کنونی همت جست. دوم، سیاسی شدن موضوع زن در نظام اجتماعی و حقوقی ایران است. پس از پیروزی انقلاب اسلامی و حاکمیت احکام شریعت بر نظام قانون گذاری و البته، فضای پرشور انقلابی که علیه همه مظاهر فساد نظام پهلوی به راه افتاده بود؛ چرایی حضور زن در اجتماع با توجه به روابط سنتی مردسالارانه، غلبه تفکر فقه سنتی که مبتنی بر تفوق ایده ضرورت حضور زن در نهاد خانواده و اولویت تربیت فرزندان انقلابی و متشرع بود و نیز فضای خاص آن دوران جامعه ایرانی که به شکل کاملاً روشن و غیرقابل انکار تحت تأثیر جنگ، تحریم‌های بین‌المللی، تشدید حضور ایدئولوژی مذهبی در ساحت عمومی و سعی در اسلامی نمودن نظام روابط خصوصی آحاد مردم، عملاً به ایجاد نوعی از تفکر سیاسی منجر گردید که کنترل همه جهات و جوانب رفتار زنان در اجتماع را جزء وظایف ذاتی، حیاتی و الهی نظام سیاسی می‌دانست. شاید به همین علت است که به عنوان اولین مظنون اسیدپاشی زنجیره ای در اصفهان از نقش آمران به معروف و ناهیان از منکر صحبت به میان آمد. در حالی که، صرفنظر از صحت و سقم چنین گمانه زنی؛ اساساً موضوع خشونت جسمانی علیه زنان مولود یک نوع نظام «فرهنگی»، «حقوقی»، «سیاسی» و «اجتماعی» غلط است که در آن مردان از جایگاه برتر و والاتری نسبت به زنان دارند. در یک نظام سلسله مراتبی مرد حاکم و زن محکوم این حاکمیت به تصویر کشیده می‌شود که تبعیض جنسیتی در اشتغال و در دانشگاه که در محدود نمودن رشته‌های مورد نظر زنان و جداسازی ایشان از مردان در محیط‌های کاری دیده می‌شود و همچنین، تبعیض جنسیتی در نظام حقوقی و قانون گذاری نیز به کرات دیده می‌شود؛ و مواردی از این دست مؤید این ادعاست. وقتی مثلاً موضوع پوشیدن ساپورت توسط زنان ایرانی به مقوله ای سیاسی تبدیل گردیده، از آن فیلم تهیه شده و در مجلس به نمایش در می‌آید و بسیاری تمثیل دیگر؛ می‌بایست بپذیریم که منشاء اینگونه رفتارهای خشونت‌آمیز علیه زنان را باید در جای دیگری جست.

برای جلب توجه بیشتر ذهن خواننده، سطور آتی مقاله را با ذکر این سؤال به پیش می‌برم که اساساً چرا صورت زن هدف اسید پاشی است؟ چرا سایر قسمت‌های بدن زن مورد حمله اسید پاشی قرار نمی‌گیرد؟ چرا برای اعمال خشونت علیه زن، صورت



زن مورد تهاجم قرار گرفته و یا چرا اسید پاشی علیه مردان اتفاق نمی‌افتد؟ چرا مردان هدف حمله اسید پاشی زنان قرار نمی‌گیرند؟ نگارنده این سطور بجز حمله اسید پاشی زنی که عاشق خواننده مشهور قبل از انقلاب شده بود؛ سابقه حمله اسید پاشی زنان به مردان را در ذهن سابقه ندارد!

شاید پاسخ به این سئوالات را بتوان به شکل دیگری داد. همان طور که آوردم، سختگیری نسبت به زن در همه اشکال و ابواب آن مولود نظام حقوقی، مولود نظام روابط فرهنگی سنتی و هم مولود نگاه سیاسی به جنس و جسم زن است. در این نگاه جسم زن ابزار فساد جنس مرد است که از خود اختیاری برای کنترل امیال جنسی اش ندارد. مرد در این نوع از نگاه کاملاً بیگانه و زن کاملاً گناهکار است و چون گناهکار است باید در انواع و اقسامی از زندان‌ها که نظام حقوقی، فرهنگی و سیاسی برایش می‌سازند، گرفتار آید و اینگونه می‌شود که چگونه پوشیدنش، چگونه راه رفتنش، چگونه حرف زدنش، چگونه فکر کردنش، چگونه عمل کردنش و بسیاری دیگر از اجزاء شخصیت انسانی وی در حصری از گناهان ناکرده اسیر می‌شود. این اسارت چنان قوت می‌یابد و در پیکره اجتماع جلوه و وجاهت می‌یابد که زن نیز خود را خودباخته آن می‌بیند. نگاهی به آمار بالای عمل زیبایی برای زنان در ایران آنهم جراحی‌های زیبایی که عمدتاً در ناحیه صورت انجام می‌شود؛ نشان دهنده همین اسارت ذهنی است که زن ایرانی در آن گرفتار آمده است. زن ایرانی که امکان هرگونه عرض اندام انسانی را در اجتماع مردسالار ایرانی از دست داده است، تنها به قرص صورت خود برای خودنمایی بسنده نموده است و وقتی این چنین می‌شود، مورد خشونت برتری طلبی مردسالارانه

فرهنگی، حقوقی و سیاسی قرار می‌گیرد. با این نگاه سطح مجادله و تقاضا را از سطح لزوم برخورد با اسیدپاشان، صرفنظر از آنکه چه کسانی هستند و آبشخور تغذیه کننده عقاید ایشان چیست و کجاست؛ باید به سطح بالاتری از مطالبات اجتماعی، سیاسی و فرهنگی کشاند. سطحی که در آن موضوع حقوق برابر زن و مرد در همه ابعاد زندگی انسانی مورد سؤال قرار می‌گیرد. سطحی که در آن سنت‌های غلط و آداب و رسوم فرهنگی مورد مناقشه قرار می‌گیرد. سطحی که در آن زن بدهکار مرد نیست و زن طلبکار حقوقی می‌شود که قرن‌هاست از وی دریغ شده است.

در این میان اما باز تعریف همه مضامین فقهی و شرعی که دستاویز وضع قوانین ناهمسوی با حقوق برابر زنان است و ارائه تفاسیر جدید و متحول از مقوله حقوق زن در اسلام اهمیت وافرو متمایز برخوردار می‌شود که می‌بایست مورد توجه ویژه همه صاحب‌بنظران، اندیشمندان و حقوقدانان باشد. اگر مسیر متفاوتی را که سعی در تبیین آن نمودم در پیش بگیریم؛ شاید بتوانیم امیدوار باشیم که در آینده نه چندان دور شاهد ارتکاب چنین خشونت‌هایی علیه زنان نباشیم، والا بسیار بدیهی است که پس از چندی و با فروکش کردن حجم وسیعی تمرکز رسانه‌ای، مجددا شاهد ارتکاب چنین جرائمی در سطح جامعه خواهیم بود. البته، حصول این آرزو نیازمند همکاری و تغییر ذات تفکر حاکم بر نظام قانونگذاری و قضائی است؛ زیرا برداشت فعلی برای تصور باطل استوار است که راه حل همه مشکلات اجتماعی ایران از درون فقه می‌گذرد و این در حالی است که فقه به عنوان ابزاری جهت عدالتمند نمودن نظام سیاسی حاکم و تأمین منافع مشروع مردم و ایجاد امنیت و آسایش روانی ایشان تنها یکی از ابزارهای ممکن است و مادامی که در مسیر پویایی و درک تحولات زمانی و مکانی قرار نگیرد، از کارآمدی لازم برخوردار نخواهد گشت. از آن گذشته علم باوری و ضرورت توجه به همه ابواب علوم انسانی از روانشناسی گرفته تا جامعه‌شناسی در فرآیند قانونگذاری موضوعی است که می‌بایست مورد توجه همه اجزاء نظام سیاسی قرار گیرد تا با پیوندی که میان حوزه تحقیق و پژوهش و حوزه قانون‌گذاری و اجرای قانون ایجاد می‌شود، شاهد توانمندی افزون‌تر قوانین مصوب جهت رفع مشکلات و معضلات اجتماعی پیش رو باشیم.



ایران، برجام و ترامپ

مرتضی رجائی خراسانی

پژوهشگر علوم سیاسی و اقتصادی



در جریان انتخابات ریاست جمهوری اخیر آمریکا شاهد بودیم که آقای ترامپ، پیروز رقابت انتخاباتی، بارها به توافق هسته‌ای ایران با کشورهای ۱+۵ حمله کرده و آن را آماج حملات قرار داده است. تا جایی که او برجام را بدترین توافق خوانده و قول داده است که آن را لغو نماید. حال که رقابت به پایان رسیده است و پیروزی آقای ترامپ نهایی شده، این سؤال مطرح می‌شود که آیا او هنوز قصد دارد برجام را پاره کند و یا آنکه این مواضع تند صرفاً جهت استفاده در فضای انتخاباتی طرح گردیده است. برای پاسخ دادن به این سؤال لازم است، پیامدهای عهد شکنی آمریکا مورد بررسی قرار گیرند. سابقه تحریم‌های ایالات متحده علیه ایران تقریباً به قدمت جمهوری اسلامی ایران می‌باشند. مردم ایران سالهاست که با تحریم‌های آمریکا آشنا می‌باشند، لیکن این تحریم‌ها همیشه بی‌اهمیت بوده‌اند. آمریکا برای آنکه بتواند اقتصاد ایران را تحت تأثیر قرار دهد، نیازمند همراه کردن کشورهای اروپایی با خود بود تا بتواند ابعادی جهانی به تحریم‌ها ببخشد و نوعی اجماع علیه ایران ایجاد نماید. متأسفانه، در سالهای قبل از برجام شاهد اعمال تحریم‌های اروپایی در هماهنگی با آمریکا علیه ایران بودیم. توافق برجام، یک توافق چند ملیتی با هدف پیشگیری از دستیابی ایران به امکان



تولید صلاح هسته‌ای بود. تحریم‌های اعمال شده برای کشورهای اروپایی و هم برای آمریکا حکم شمشیر دولبه را داشته‌اند که از یک طرف ایران را به میز مذاکره می‌کشاند و از طرف دیگر شرکت‌های خارجی را از بازارهای ایران محروم می‌ساخت. در طول تاریخ، بازارهای ایران همیشه برای اروپایی‌ها جذاب بوده‌اند که البته با توجه به مشکلات اقتصادی که اروپا در سالهای اخیر با آن مواجه بوده، اهمیت آن بیشتر هم می‌شود.

مذاکرات هسته‌ای پس ماه‌ها تلاش سخت به ثمر نشست و نتیجه آن توافقی بود که در چارچوب آن هم حق طبیعی ایران برای داشتن انرژی اتمی صلح آمیز رعایت می‌شد، و هم برنامه‌ای برای برداشته شدن تحریم‌ها تأییه شده بود و اروپایی‌ها به آرزوی دست یافتن به بازارهای ایران می‌رسیدند. با توجه به اینکه ایران تا کنون به تعهدات خود پایبند بوده، اگر آمریکا بخواهد برجام را ملغی کند مهم‌ترین چیزی که از دست می‌دهد همراهی اروپایی‌ها خواهد بود.

ایالات متحده آمریکا نمی‌تواند از سایر کشورها توقع داشته باشد که بنا به سلیقه رئیس جمهور تازه از راه رسیده آن کشور و بدون توجیه قانونی تعهدات بین‌المللی خود را زیر پا گذاشته و به تحریم مجدد ایران بپردازند و شرکت‌های خود را از فرصتی که برای آن بسیار انتظار کشیده‌اند، محروم سازند. بی‌شک در صورت بروز چنین شرایطی آمریکا به انزوا کشیده شده و بیش از همه متضرر خواهد شد. البته، ایران نیز دیگر خود را ملزم به رعایت تعهداتش نخواهد دانست.

روزنامه کیهان و غرب و شرق عالم

صمد شفیعی مقدم

از زمان انتصاب «حسین شریعتمداری» به عنوان نماینده ولی فقیه و سرپرست مؤسسه کیهان در اول دی ماه سال ۷۲، این روزنامه روندی تأثیرگذار بر سیاست داخلی و خارجی ایران را در پیش گرفته است. روزنامه کیهان در عرصه سیاست خارجی تلاش داشته بر مبنای ایدئولوژی و باورهای مدیرمسئول خود بر فرم و محتوای این عرصه تأثیر بگذارد. «کیهان» یکی از روزنامه‌های دیرپای ایران با بیش از هفتاد سال سابقه است که پس از انقلاب اسلامی نیز فعالیت خود را ادامه داده است. انتشار این روزنامه در دو دهه اخیر با نگاهی خاص به عرصه سیاست و



فرهنگ تداوم یافته و در زمره رسانه‌های ایرانی مخالف غرب شناخته می‌شود. افشای توطئه‌های غرب به سرکردگی آمریکا از جمله سیاست‌های ثابت روزنامه کیهان به شمار می‌رود و این رویه در زمان حاکمیت دولت‌های مختلف دستخوش تغییر و تحول نشده است. می‌توان گفت که سرنوشت سیاست خارجی ایران معاصر در کشاکش رقابت ابرقدرت‌های شرق و غرب، نهایتاً با روحیه آمریکا ستیزی عجین شده است؛ اگرچه در آغاز و به طور کمابیش ناخودآگاه متأثر از هژمونی چپ‌گرایی انقلابی بود. در این ارتباط لازم به ذکر است که با روی کار آمدن «حسین شریعتمداری» و پایدار بودن او در رأس این رسانه از اوایل دهه هفتاد شمسی تاکنون، کیهان به قدرتی فراتر از یک رسانه تبدیل شده؛ به گونه‌ای که دیپلمات‌های ایرانی حامی بهبود رابطه با غرب هیچگاه خود را از انتقادات تند این روزنامه مصون ندانسته‌اند و همواره سعی نموده‌اند در این راه جانب احتیاط را رعایت نمایند.

افزایش این اثرگذاری منجر به سردتر شدن روابط ایران و غرب و در نتیجه، تحکیم ارتباط روسیه و چین با ایران شده است. با شکل‌گیری این وضعیت معمولاً دیپلماسی ایران بخصوص در مناقشه هسته‌ای به میدان‌هایی همچون شورای امنیت سازمان ملل کشیده شده که نقش روسیه و چین نیز در آنها قابل رقابت با آمریکا است، چرا که در خارج از میدانی همچون شورای امنیت، قدرت روسیه و چین با آمریکا قابل مقایسه نیست. روزنامه کیهان بر اساس سیاست رسانه‌ای خود از هر فرصتی برای نشر اظهارات ضدآمریکایی



بهره می‌برد، خواه این اظهارات از سوی مقامات رسمی ایران باشد و خواه از سوی شخصیت‌های غیررسمی ایرانی و یا غیر ایرانی. همچنین، این روزنامه در راستای تقویت نگاه خود به دیپلماسی کشور، هرگاه لازم باشد اظهارات مسئولان دستگاه دیپلماسی را نیز منعکس می‌نماید. سخنان ضدغربی ائمه جمعه تهران معمولاً انعکاس خوبی در روزنامه کیهان دارند، به ویژه اگر آمریکا ستیزی این بیانات غلظت داشته باشد.



پوشش خبری اعتراضات علیه آمریکا و غرب همواره از ابزار اصلی کار کیهان در پیشبرد سیاست رسانه‌ای خویش است و برخورد نهادهای ایرانی با آمریکا و غرب علاوه بر پوشش خبری، همواره مورد تأیید و تحسین کیهان قرار می‌گیرد. نرمش در مقابل غرب نیز اگر توسط مقامات کشور مورد تقبیح قرار گیرد، معمولاً توسط کیهان به نحو برجسته‌ای منتشر می‌شود. از سوی دیگر نگاه به شرق در سیاستگذاری روزنامه کیهان امری پنهان نیست.



کیهان معمولاً سعی می‌کند پیام‌های امیدبخشی از سوی مقامات شرقی مخابره نماید، حتی گاهی دیده می‌شود که تیتراهای کیهان حاوی این پیام است که سران شرق و بویژه روسیه به خاطر ایران در مقابل غرب دست به مقاومت می‌زنند. اخبار دیدارهای دیپلماتیک مقامات ایران و روسیه و چین نیز با لحنی مثبت و بدون نشانی از ادبیات گزنده این روزنامه در قبال غربی‌ها، در صفحات مهم درج می‌شود. علاوه بر این، کیهان معمولاً رضایت خود از ائتلاف‌های اقتصادی و نظامی با شرق را با پوشش اخبار دلگرم‌کننده در این زمینه اعلام می‌دارد، ضمن آن که علاوه بر روسیه و چین، گاهی پای دیگر کشورهای شرقی را نیز به نفع ایران وارد مناقشه با غرب می‌کند.

روزنامه کیهان طی مناقشه هسته‌ای، مطابق مشی خود بارها خواهان خروج ایران از معاهده عدم اشاعه تسلیحات هسته‌ای (NPT) بود و مدیرمسئول این روزنامه از این معاهده تحت عنوان «ان. پی. تی. شیر بی یال و دم» (کیهان، صفحه ۲، ۲۷ آبان ۱۳۸۸) یاد می‌کرد و با تأکید بر بی‌فایده بودن مصالحه با غرب اظهار می‌داشت: «مسئولان

محترم کشورمان اکنون باید به این نتیجه بدیهی رسیده باشند که آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در روندی که در پیش گرفته است، سرانجام و به یقین پرونده هسته‌ای ایران را به شورای امنیت سازمان ملل می‌فرستد. بنابراین، به قول شهید مدرس در پاسخ به اولتیماتوم روس چرا از ترس مرگ خودکشی کنیم؟» (یادداشت روز کیهان به قلم حسین شریعتمداری ۲۴/ اسفند/ ۱۳۸۲).

کیهان، هر حرکتی در راستای کاهش سطح تعامل با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی را خوشایند و قابل تقدیر می‌شمرد: «بالاخره، دیروز مجلس شورای اسلامی در اقدامی درخور تحسین و طی بیانیه‌ای با امضای ۲۲۶ نماینده - تمامی نمایندگان حاضر در جلسه - دولت را موظف به کاهش سطح تعامل با آژانس کرد و دولت نیز در اقدامی شایسته تقدیر، دستور ساخت ۱۰ سایت جدید هسته‌ای را صادر کرد.» (همان) بدینی او به غرب جای تردید ندارد و خود نیز بر این امر صحنه می‌گذارد و به منتقدین این نگاه می‌گوید: "لطفاً آبرو در هم نکشید و نگارنده را به «بدینی» متهم نفرمائید، چرا که خوشبینی نسبت به دشمنی که آشکارا کمر به نابودی نظام اسلامی ایران و انتقام از مردم مسلمان این مرزوبوم بسته است، غیرمنطقی و درخور ملامت و سرزنش است و نه، بدینی نسبت به دشمنانی که تاکنون غیر از «بد» از آنها دیده نشده است، مخصوصاً آن که وقتی پای استدلال و استناد در میان است، باید به میزان درستی و قابل قبول بودن استدلال‌ها و استنادها تکیه کرد، زیرا این یک اصل پذیرفته شده و غیرقابل تردید است که «واقع بینی» جایی برای احساسات خوشبینانه و بدبینانه باقی نمی‌گذارد. آیا غیر از این است؟" (کیهان، صفحه ۲، سه شنبه ۳ آذر ۱۳۸۳)

سیاستگذاران روزنامه کیهان معتقدند، سازمان‌های بین‌المللی تحت سلطه و سیطره همه جانبه قدرتهای غربی به ویژه آمریکا قرار دارند. بنابراین، آژانس بین‌المللی انرژی اتمی نیز از این قاعده مستثنی نیست؛ به خصوص آن که این آژانس در بهترین حالت به ارائه گزارش‌های دوپهلوی درباره برنامه هسته‌ای ایران اقدام کرده است. تأکید بر شکست‌پذیری غرب و درج اخبار و تحلیل‌هایی که تأییدکننده این گزاره باشند برای تقویت روحیه قوای خودی و در هم شکستن روحیه قوای دشمن در مناقشه هسته‌ای مورد استفاده جدی کیهان قرار می‌گیرد. گواه این فرض اظهارت مدیرمسئول کیهان درباره ارجاع پرونده هسته‌ای ایران به شورای امنیت است: شریعتمداری در ادامه، ارسال پرونده هسته‌ای ایران به شورای امنیت را یک تهدید توخالی دانست و گفت: "ارسال پرونده ایران به شورای امنیت تاکنون به عنوان یک تهدید توخالی مطرح بوده است." (روزنامه کیهان ۸/ شهریور/ ۱۳۸۳) و در پایان، با همه این تفاسیر می‌توانیم بگوییم که رویکرد کیهان به سیاست خارجی ایران در عهد دولت‌های اصلاح طلب و اصولگرا و اعتدالی دچار تغییر محسوسی نشده و حرکت در راستای ضدیت با غرب و تقویت سیاست نگاه به شرق در دستگاه سیاست خارجی ایران مورد تأکید جدی سیاستگذاران این روزنامه بوده و گویا کماکان خواهد بود.



تولید و مصرف کوکائین در جهان

مروری بر گزارش دفتر جرم و مواد مخدر سازمان ملل درباره کوکائین

فاطمه مهسا کارآموزیان

«کوکائین»، یک محصول طبیعی استخراج شده از برگ کوکا است. این درختچه گرمسیری به طور گسترده‌ای در منطقه آند - آمازون - کشت می‌شود. کوکا به عنوان یک برگ مقدس توسط برخی از جوامع بومی آمریکا در رشته کوه‌های آند و آمازون شناخته شده است. منطقه آند قدرت تولید کل کوکائین را دارد. دو شکل از کوکائین وجود دارد: پودر کوکائین و کوکائینی که کمتر رایج است، بنام کرک که یک شکل قابل تدخین می‌باشد. این ماده مخدر بطور معمول به حالت استنشاقی و یا تدخینی (کرک) مصرف می‌شود، در حالی که تزریق آن کمتر شایع است. تقریباً کل تولید جهانی کوکا به طور انحصاری فقط در سه کشور متمرکز شده است: بولیوی، کلمبیا و پرو. در سال ۲۰۱۰، تولید کوکا بین ۷۸۸ تا ۱۰۶۰ تن توسط دفتر جرم و مواد مخدر سازمان ملل و حدود ۸۵۰ تن توسط ایالات متحده تخمین زده شد.

در حال حاضر، بخش قابل توجهی از کوکائین جهانی به مقصد اروپا حمل می‌شود. برآوردهای موجود از دهه گذشته، سطح تولید ثابت سالیانه کوکائین را نشان می‌دهد که بین ۸۰۰ تا ۱۰۰۰ تن بوده است. در این ارتباط مسیرهای قاچاق جدیدی بوجود آمده‌اند. استفاده از کوکائین و معضلات مربوط به بهداشت و جامعه، به طور قابل توجهی در اروپا از اواسط دهه ۱۹۹۰ افزایش یافته است. در سال ۲۰۱۰، تعداد تقریبی کاربران کوکائین در جهان بین ۱۳-۲۰ میلیون نفر و یا در حدود ۰٫۳-۰٫۴ درصد از جمعیت بزرگسال ۱۵-۶۴ ساله برآورد شده است. بیشترین کاربران در شمال آمریکا، آمریکا جنوبی، غرب و مرکز اروپا زندگی می‌کنند که تخمین زده می‌شود بزرگترین بازار کوکائین در جهان آنجاست. تخمین زده شده است که مقدار کوکائینی که در اروپا مصرف می‌شود، از ۶۳ تن در سال ۱۹۹۸ به ۱۲۴ تن در سال ۲۰۰۹ رسیده و ۲ برابر شده است. هرچند این برآورد باید با احتیاط تفسیر شود، با این حال آنچه که قطعی است، اروپا در حال حاضر به بازار بزرگتری برای مصرف کوکائین نسبت به ۱۵ سال پیش تبدیل شده است. پرمنگنات پتاسیم یک ماده شیمیایی ضروری برای تولید کوکائین غیر قانونی



است. این ماده بطور عمده به عنوان ماده پایه برای تبدیل کوکا به کوکائین بکار برده می‌شود. این فرآیندی است که عمدتاً در «بولیوی»، «کلمبیا» و «پرو» انجام می‌شود، اما احتمالاً در کشورهای همسایه نیز در سطح محدودتر صورت می‌گیرد. پرمنگنات

پتاسیم، در جدول I سازمان ملل متحد کنوانسیون ضد قاچاق؛ با عنوان ماده مخدر و روانگردان (۱۹۸۸) قید شده است. پرمنگنات پتاسیم یک ماده شیمیایی است که به طور گسترده در صنعت و در سراسر جهان استفاده می‌شود که تلاش برای کنترل غیر قانونی قاچاق را پیچیده می‌سازد. بطور کلی، کشف و ضبط محموله‌های غیر قانونی پرمنگنات پتاسیم به شدت از سال ۲۰۰۵ کاهش یافته است و این نشان می‌دهد که قاچاقچیان نظارت‌ها را دور زده‌اند. آنها ممکن است این کار را به روش‌های مختلف انجام دهند: ۱- استفاده از یک ماده شیمیایی جایگزین به عنوان یک پیش ماده (اما شواهد کمی در ارتباط با آن وجود دارد). ۲- تولید پرمنگنات پتاسیم در کشورهای تولید کوکائین، به خصوص از دی اکسید منگنز و منگنات پتاسیم. ۳- انحراف محموله‌های قانونی پرمنگنات پتاسیم در کشورهای همسایه آمریکای جنوبی و یا ساخت آن در آن کشورها و قاچاق آن را به «بولیوی»، «کلمبیا» و «پرو». ۴- تولید غیر قانونی پرمنگنات پتاسیم در کشورها لزوماً برای تولید کوکائین نیست، لذا مسئولین کمتر قادر (یا کمتر تمایل) به کنترل محموله‌های پرمنگنات پتاسیم هستند.

قاچاقچیان برای جاسازی کوکائین قبل از ارسال آن را در موادی از جمله: موم، کود، انواع مختلفی از پلاستیک، لباس، سبزی، مایعات، کود و لوازم خانگی مخفی می‌کنند. در این مورد، یک فرآیند شیمیایی معکوس برای استخراج کوکائین از پلاستیک صورت خواهد گرفت. پس از استخراج ثانویه، کوکائین تقلبی می‌تواند با انواع مختلف برش داده شده و به قالب‌های تجاری کوکائین با آرم‌های نقش برجسته تبدیل شود. این کار برای متقاعد کردن

حدود ۵ درصد از اروپایی‌ها
۱۵-۶۴ ساله، حدود ۱۵ میلیون
نفر حداقل یک بار در عمر خود
کرک استفاده کرده‌اند.

خریداران جهت اینکه این محصول کوکائین اصل با خلوص بالاست، صورت می‌گیرد. به کوکائین "شامپاین مواد مخدر" لقب می‌دهند که قیمت آن بالاست و مخصوص افراد ثروتمند است. کوکائین در میان مصرف کنندگان تفریحی مواد مخدر، به صورت پودر و یا به طریق استنشاق مصرف می‌شود. اغلب مصرف کنندگان مبتدی حین درمان مشکل خود را پنهان می‌کنند. از مشخصات مصرف کنندگان پر مشکل اعتیاد به چند ماده مخدر، تزریق ماده مخدر، و یا کشیدن آن بصورت کرک است که تصویر متضاد و تیره‌ای از کوکائین ارائه می‌دهد. براساس آخرین نظرسنجی، حدود ۵ درصد از اروپایی‌ها ۱۵-۶۴ ساله، حدود ۱۵ میلیون نفر حداقل یک بار در عمر خود کرک استفاده کرده‌اند. از آنالیز فاضلاب به منظور



برآورد مصرف کوکائین استفاده می‌شود که یک رشته علمی است و به سرعت جهت ارزیابی اثربخشی مداخلات کنترل مواد مخدر در حال توسعه است. دانشمندان با نمونه برداری از یک منبع فاضلاب کل مواد مخدر مصرف شده توسط یک جامعه را با برآورد سطح متابولیت‌های مواد مخدر دفع شده در ادارار، اندازه‌گیری کنند.

گروه‌های جرائم سازمان‌یافته، از جمله: گروه‌های بالکان و ایتالیای غربی، حضور خود را در جنوب آمریکا و آفریقا افزایش داده‌اند. گروه‌هایی از کلمبیا، و همچنین آرژانتین، بولیوی، برزیل، پرو و ونزوئلا، در قاچاق کوکائین به سمت غرب آفریقا درگیر شده‌اند. مرزهای نفوذپذیر، کنترل ضعیف مرزها، حاکمیت دولت ضعیف و سطح بالای فساد فعالیت‌های گروه‌های جرائم سازمان‌یافته را تسهیل می‌کند. تحقیقات اخیر تأیید می‌کنند که گروه‌های جرائم سازمان‌یافته اغلب از غرب بالکان هستند، به ویژه کسانی که متشکل از صربستان، کرواسی یا مونته‌نگرو بودند، موقعیت‌های مهم در تجارت کوکائین به دست آوردند. اطلاعات موجود نشان می‌دهند که برخی از آنها در اقتصاد قانونی در غرب بالکان و کشورهای اتحادیه اروپا سرمایه‌گذاری کرده‌اند. با پوشش تجارت قانونی در مسیرها، آنها شرکای خوبی برای گروه‌های جرائم سازمان‌یافته در آمریکای لاتین شدند. افراد روس زبان مقیم در آمریکای لاتین، قاچاق کوکائین را به روسیه و اتحادیه اروپا سازمان‌دهی و تسهیل می‌کنند. شهروندان اتحادیه اروپا بوسیله گروه‌های تبهکار روسی به عنوان پیک مواد مخدر استخدام می‌شوند. گروه‌های گرجستانی نیز در حمل کوکائین از آمریکای جنوبی به روسیه و قفقاز دخیل هستند. شمال غرب اروپا همچنان به عنوان مرکز توزیع اصلی برای محموله‌های عمده کوکائین مورد استفاده قرار می‌گیرد. تحقیقات نشان می‌دهد که در برخی موارد کوکائینی که از جنوب غرب اروپا وارد می‌شود، ابتدا به شمال غرب اروپا حمل می‌شود. این می‌تواند بدان معنی باشد که گروه‌های فعال جرائم سازمان‌یافته شبکه‌های توزیع مجدد را بطور کارآمدی گسترش داده و زیرساخت‌های حمل و نقل در منطقه را بطور گسترده‌ای جهت استفاده خود توسعه داده‌اند. نفوذ در کسب و کار قانونی برای تسهیل روند قاچاق مواد مخدر و پول شویی فصل مشترک اجرایی برای اکثر گروه‌های جرائم سازمان‌یافته است. گروه‌های جنایتکار سازمان‌یافته برای حمل محموله‌های خود یا مالک شرکت‌هایی هستند که در ماهیگیری، صادرات میوه‌ها، سبزیجات و دیگر کالاها دخیل هستند و با برآن شرکت‌ها نظارت دارند. باندهای جرائم سازمان‌یافته از کانتینرها نه تنها برای حمل کوکائین بلکه هروئین، حشیش، و پیش‌سازهای مواد مخدر مصنوعی نیز استفاده می‌کنند. یکی از روش‌های ارجح حمل کوکائین در کانتینرهاست که به اصطلاح به آن روش "غارت در غارت" می‌گویند که بیانگر نفوذ فساد در کارکنان گمرک بنادر با هماهنگی و سازماندهی در سطح بالا می‌باشد. مهر و موم کانتینرها بطور غیرقانونی حذف می‌شوند و مواد مخدر درون آنها جاسازی شده، سپس مجدداً به طور تقلبی مهر و موم می‌شوند. این روش بطور مشابه در مقصد هم دنبال می‌شود.

آخرین اخبار در مورد بیماری ایدز



دکتر مهدی فرخ سیر
متخصص بیماری‌های عفونی و تب دار
پژوهشگر حوزه‌های سلامت و درمان

۱۹-۱۷ آذرماه دومین همایش بین‌المللی ایدز در محل تالار اجتماعات دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی برگزار گردید. طبق آمار ارائه شده حدود ۹۰ هزار نفر در ایران ایدز دارند و تنها ۳۳ هزار نفر از آنها شناخته شده‌اند که درمان دریافت می‌کنند، یعنی ۷۰ درصد از افراد مبتلا از بیماری خود اطلاع ندارند. علاوه بر تلاش سیاست‌گذاران عرصه سلامت، آگاهی و اقدام شخصی نیز بسیار مؤثر است.

از لحاظ تاریخیچه ویروس ایدز ابتدا در طی ارتباط انسانی با شامپانزه‌ها به بدن انسان انتقال پیدا کرد. در آن زمان HIV برای مردم شناخته شده نبود، تا این که در دهه ۸۰ در افراد همجنسگرا در آمریکا تشخیص داده شد و به تدریج در روابط غیر همجنس، اعتیاد تزریقی مشاهده شد. همچنین، شیوع جهانی آن به دلیل تزریق فرآورده‌های خونی آلوده تشخیص داده شد. علل ابتلا به ایدز در ایران، طبق نظر آقای دکتر مردانی فوق تخصص بیماری‌های عفونی به ترتیب استفاده از سرنگ مشترک در بین مصرف‌کنندگان مواد مخدر تزریقی ۶۸٫۲ درصد، رابطه جنسی پرخطر ۱۸٫۵ درصد، انتقال مادر به کودک ۱٫۵ درصد، راه انتقال نامشخص ۱۱ درصد، و ۸ درصد انتقال فرآورده‌های خونی می‌باشد. در سالهای اخیر الگوی اپیدمیولوژیک انتقال بیماری از اعتیاد تزریقی به مقاربت جنسی تبدیل شده است، لذا در صورتی که در گروه پرخطر هستید؛ یعنی در معرض هر کدام از موارد فوق بوده‌اید با یک آزمایش ساده HIV از نگرانی خود بکاهید.



را بشناسیم؟

دکتر حدیثه هوسمی
متخصص بیماری‌های عفونی



بیماری ایدز توسط ویروس «اچ‌ای وی» ایجاد می‌شود. این ویروس منجر به تخریب سیستم ایمنی فرد شده، بنابراین نام دیگر آن ویروس «نقص ایمنی» می‌باشد. ویروس ایدز توسط فرد آلوده منتقل می‌شود که متأسفانه اغلب هیچ علائمی نداشته و فرد کاملاً سالم به نظر می‌رسد. این ویروس توسط روابط جنسی محافظت نشده، استفاده از سرنگ‌های آلوده مشترک و از طریق مادر آلوده به جنین منتقل می‌شود. تا کنون گزارشی از انتقال این ویروس از طریق نیش پشه، عرق، بزاق، اشک، دست دادن، بغل کردن و استفاده از توالت مشترک وجود نداشته است.

تاکنون هیچگونه دارو و یا واکسنی برای پیشگیری از ایدز کشف و تولید نشده است. مهم‌ترین راه پیشگیری اجتناب از روابط جنسی محافظت نشده است. همچنین، کاهش تعداد روابط جنسی، استفاده صحیح از کاندوم، عدم استفاده از سوزن مشترک نیز از دیگر راه‌های پیشگیری می‌باشند. جهت پیشگیری از ابتلاء نوزاد لازم است که مادر باردار آلوده به ویروس «ایدز» زیر نظر پزشک متخصص عفونی داروهای ضد ویروسی را دریافت نماید. در ۷۲ ساعت اول تماس محافظت نشده با فرد اچ‌ای وی مثبت، لازم است با متخصص عفونی مشورت شود. متأسفانه، تا کنون درمان قطعی برای این ویروس یافت نشده است، ولی با مراقبت‌های پزشکی این بیماری قابل کنترل است.





احساس آرامش در برابر احساس خشم

دکتر مهری نجات

متخصص اعصاب و روان و پژوهشگر حوزه آسیب‌های اجتماعی
مدرس دانشگاه تهران



همه انسان‌ها و حتی حیوانات به دنبال آرامش در زندگی هستند. ما به طور خودآگاه و یا ناخودآگاه می‌خواهیم که از این احساس خوشایند حمایت کنیم. هنگامی که آرامش ما به خطر می‌افتد، خشمگین می‌شویم و اگر نتوانیم و یاد نگرفته باشیم که آن را کنترل کنیم، رفتار مخرب پرخاشگری از ما سر خواهد زد؛ ولی چه چیزهایی موجب خشم ما و در نتیجه، پرخاشگری ما می‌شوند؟

عصبانیت و خشم ریشه در ناکامی، افسردگی، محرومیتها، تحقیر، تهدید و از همه مهم‌تر ترس دارد. ترس از دست دادن چیزهایی که باعث آرامشش شده است یا فکر می‌کند که موجب آرامش وی خواهد شد. به عنوان مثال، ترس فرد از تحقیر شدن، مورد ظلم قرار گرفتن، ترس از فریب خوردن و پایمال شدن حقوق شان، ترس از دست دادن دارایی، سلامت، خانواده، غرور و ارزشهای مختلف.

همه می‌خواهند به آرامش برسند و یا از این احساس خود حمایت کنند. ما می‌توانیم احساس خشم را پیدا کنیم، ولی لزوماً به معنای رفتار پرخاشگرانه نیست. مهم است بدانید که احساس خشم مانند سایر احساسات ما بعد از مدت کوتاهی از بین خواهند رفت، ولی چرا ما نمی‌توانیم این احساس را کنترل کنیم و رفتار پرخاشگرانه از خود نشان می‌دهیم؟



علل مطرح شده در این ارتباط عبارتند از:

- * مشکلات خلقی فردی مانند: افسردگی، اضطراب، اختلال دو قطبی و یا اختلالات بدبینی و پارانوئید.
- * عوامل وابسته به جسم مثل: خستگی شدید، بیماری، درد و کاهش انرژی، ناتوانی، و مصرف بعضی از داروها و موادمخدر.
- * وضعیت جسمانی به دنبال موقعیت مانند: غمگینی، اضطراب و ترس.
- * تفاوت‌های فردی و شخصیتی مثلا در افراد خودشیفته، افراد کمال طلب، انتقاد ناپذیر، و افراد مضطرب و وسواسی.
- * گاهی پرخاشگری به دنبال یادگیری‌های اشتباه قبلی فرد می‌باشد.
- * افرادی که از کودکی الگوهای رفتار پرخاشگرانه‌ای داشته‌اند و یا بچه‌هایی که آموخته‌اند با خشم و پرخاشگری می‌توانند به اهداف و خواسته‌های خود دست یابند. برخی افراد نیز با توهین، تحقیر و سرزنش دیگران سعی می‌کنند که احساس خشم خود را بیرون بریزند و آرام شوند.

حال این پرسش مطرح است که چگونه این احساس خود را کنترل کنیم؟

- یادتان باشد که احساس خشم مانند: شادی، غم، و ترس همیشه همراه ما هستند. مهم عملکرد و رفتار ما در برابر این احساسات می‌باشد. برای کنترل رفتارمان در برابر این احساس چند کار توصیه می‌شود:
- * اگر به شدت عصبانی می‌شوید و رفتارهای پرخاشگرانه شدید نشان می‌دهید، حتما باید تحت بررسی و درمان قرار بگیرید. همه اختلالات اعصاب و روان مثل: افسردگی، اضطراب، بدبینی، وسواس، و سایر اختلالات خلقی قابل درمان هستند.
- * به فرزندان خود آموزش صحیح دهید تا بتوانند خشم خود را به درستی کنترل کنند و الگوی مناسبی برای آنها باشید و شیوه رشوه‌گیری در برابر عصبانیت را عملی نکنید.
- * باورهای اشتباه در مورد انتظارات غیرواقعی، غیرقابل تصور و بسیار ایده آل را در زندگی خود تصحیح کنید و به اندازه توانایی خودتان از خودتان انتظار داشته باشید.
- * سعی کنید مهارت ارتباط با دیگران را بیاموزید و همین طور مهارت ارتباط با همسر، فرزندان، همکاران و یا سایر افراد جامعه را.
- * سالم زندگی کنید و علاوه بر سلامت جسمی، سلامت روان نیز بسیار اهمیت دارد. تغذیه مناسب به همراه ورزش نیز در ارتباط با دیگران بسیار اهمیت دارد. امیدوارم همیشه آرامش در زندگی شما جریان داشته باشد و احساس خشم و از دست دادن آن را نداشته باشید.





علائم سرطان خون در کودکان

دکتر فاطمه رجبی پور

فوق تخصص خون و آنکولوژی، متخصص کودکان و نوزادان
عضو هیأت علمی دانشگاه علوم پزشکی تهران



علائم هشداردهنده در جهت پیشگیری و تشخیص به موقع سرطان خون در کودکان عبارتند از:

- * تب بیشتر از یک هفته، علیرغم مصرف آنتی بیوتیک.
- * درد استخوانی و کمردرد در کودکان.
- * ضعف و بی حالی و بی اشتهايي مفرط همراه با کاهش وزن.
- * زخم های دهانی، زخم اطراف مقعد و ضایعات پوستی که بیشتر از دو هفته طول بکشد و درمان نشود.
- * بزرگی ناگهانی شکم، اختلال در دفع مدفوع و ادرار در کودکان.
- * سرفه های مزمن و طول کشیده، درد قفسه سینه، اختلال در تنفس و اختلال در بلع.
- * بزرگی غدد لنفاوی ناحیه گردن، پشت گوش، زیر بغل و کشاله ران.
- * افتادگی پلک و یا تغییر فرم صورت مثل فلج عضلات صورت.
- * هرگونه عفونت طولانی مدت از گلودرد تا افت دهانی، عفونت ریوی و یا عفونت های سیستم گوارشی باید به پزشک مراجعه کنید.

وظیفه پزشک حاذق تشخیص به موقع بیماری و نجات بیمار است. اساس کار یک آزمایش ساده CBC و یک مشاوره خون است تا اگر بیماری مبتلا به سرطان خون شده، او را نجات داد. برای پیشگیری معاینات به موقع و چک آپ لازم است.



تمدن، تنها زاینده اقتصاد برتر نیست، در هنر و ادب و اخلاق هم باید متمدن بود و برتری داشت. بگذارید راز موفقیت خود را به شما بگوییم. توانایی من تنها در پشتکارم بوده است. تنها گنجی که ارزش جستجو کردن دارد، هدف است.

لوئی پاستور



نقش فضای سبز در کاهش آلودگی در شهرها



دکتر امید نوری
استادیار باغبانی شهری و محیطی دانشگاه شهید بهشتی

یک درخت در سال به طور متوسط ۲ کیلوگرم اکسیژن تولید می‌کند. میزان اکسیژن آزاد شده به وسیله درختان پهن برگ در یک هکتار بین ۲۵۰۰ تا ۳۰۰۰ کیلوگرم بوده و می‌تواند نیاز ۱۰ انسان را تأمین نماید، همین طور یک درخت در مدت یک سال با انجام عمل تبخیر و تعرق به اندازه ۲۵۰-۴۰۰ لیتر آب را به صورت بخار از خود متصاعد می‌کند و این مقدار در گیاهان مختلف متفاوت است؛ به طوری که درختان برگ پهن بیش از سوزنی برگ‌ها موجب افزایش رطوبت هوا می‌شوند. درختان در تعیین دمای منطقه نیز نقش دارند، به طوری که هوای یک منطقه درختکاری شده می‌تواند تا ۱۱ درجه سانتیگراد خنک‌تر از منطقه بی‌درخت مجاور باشد.

وجود درختان در فضای سبز موجب:

- * بهبود شرایط بیوکلیماتیک در شهر
- * کاهش آلودگی هوا
- * کاهش آلودگی‌های صوتی
- * جلوگیری از پدیده جزیره گرمایی
- * افزایش رطوبت نسبی
- * تعدیل دما
- * جذب غبار و ذرات معلق در هوا

محیط زیست سالم اثرات بسیار زیادی بر سلامت انسان دارد. قطعاً ایجاد چنین محیطی بدون پوشش گیاهی میسر نیست. وجود فضای سبز به ویژه اگر با چمن کاری،

گل کاری و کاشت درختچه‌های زینتی همراه باشد، بی‌گمان نقش بسزایی در ایجاد تنوع و محیطی شاد برای گردش و کاستن از سرو صدا در گستره شهرها و بالا بردن روحیه مردم و نیز ایجاد محیط مناسبی برای آرامش اعصاب دارد.

در این میان ایجاد، گسترش و حفظ فضای سبز شهری و ایجاد پارک و بوستان به عنوان محیط زیست درون شهری علاوه بر زیبایی محیط زندگی شهروندان به آنها شادی و نشاط روحی می‌بخشد و در عین حال به پاکیزگی هوا نیز کمک قابل توجهی می‌کند. آرامشی که انسان در سایه یک درخت احساس می‌کند تا حدی ناشی از جذب پرتوهای مادون قرمز و ماوراء بنفش به وسیله درخت است. از طرفی دیگر تولید ماده‌ای به نام «فیتونسید» بوسیله درختانی نظیر: **گردو، بلوط، فندق، بید، اکالیپتوس، زبان گنجشک، سرو کوهی، افرا** و رها شدن آن در فضای روی انسان اثر آرامبخش و فرح بخشی دارد. اگرچه بشر امروزه به تکنولوژی‌های مختلفی برای مبارزه با آلودگی‌ها دست یافته است، ولی به نظر می‌رسد برگ درختان و گیاهان می‌توانند بهترین وسیله جهت بهبود کیفیت هوای محیط زیست بشری باشد. این جانداران قادرند گازها و ذرات آلاینده را از هوا خارج کرده، مصرف انرژی را کاهش داده، باعث کاهش دمای جو زمین شده و جوامع را در جهت زندگی هر چه مطلوب‌تر یاری کنند. با تحقیقات انجام شده بهترین گونه‌ها برای کاهش آلودگی صوتی شهری در فضای سبز گونه‌های زیر است:

- * بهترین گونه‌ها: افرا، چنار و سرو شیراز، کاج تدا و کاج تهران.
- * بهترین ترکیب گونه‌ها: افرا، اقاویا و چنار یا ترکیب بیشتری از گونه‌های با برگ پهن‌تر و یا با میزان صمغ بیشتر و تراکم بیشتر سوزنی برگ‌ها.
- * فاصله فضای سبز به عنوان حائل بین فرستنده صدا و خانه‌های مسکونی: هر قدر عرض پیاده رو بعد از خط میانی سبز بیشتر باشد، اثر کاهش صدا بیشتر است (بیش از ۱۵ متر).
- * بهترین شکل زمین: زمین شیبدار اگر حائل بین فرستنده صدا و گیرنده صدا باشد، اثر کاهش صدا بیشتر است.
- * ارتفاع و تراکم درختان: هر قدر ارتفاع و تراکم توده درختان بیشتر باشد، کاهش آلودگی صوتی بیشتر است.
- * اندازه و تراکم برگ: هر قدر برگ‌های درخت پهن‌تر باشند و یا تراکم برگ‌ها و تراکم صمغ در سوزنی برگ‌ها بیشتر باشد، کاهش آلودگی صدا بیشتر است.
- * زاویه برگ: هر قدر زاویه قرار گرفته برگ نسبت به شاخه و شاخه پشت به ساقه تندتر باشد، کاهش آلودگی صدا بیشتر است.



برخی از درختان که در کاهش آلودگی صوتی به طور نسبی مؤثر هستند به شرح ذیل معرفی می‌شود:

ژونیپروس، غان مجنون، صنوبر کانادایی، یاس زرد، افرای سیاه، اقطی، فندق، نمدار، پیچ امین‌الدوله، نرگس، خاس، بلوط، خرزه، راش، صنوبر، بداغ، افرای شبه چناری.

درختان مؤثر در جذب گرد و خاک عبارتند از: عرعر (آیلان) - زالزالک - ژینکو - چنار - لیلیکی آمریکایی - ماگنولیا - بید مجنون - اقاچیا - داغداغان می‌باشند.

فضای سبز با جذب عناصر مضر مانند: سرب و همچنین مقادیر قابل توجهی از ذرات معلق موجود در هوا و رسوب‌دهی آن‌ها در تعدیل آلودگی‌های هوا بسیار مؤثر هستند، اما نباید فراموش کرد که نسبت تاثیرگذاری گیاهان بر کاهش آلودگی‌ها بستگی به شرایط محیطی، مقادیر تولید آلاینده و همچنین شرایط اقلیمی دارد. به عنوان مثال، در شرایط وارونگی هوا در فصل زمستان با حجم زیاد آلاینده‌های تولیدی از منابع گرماساز و اتومبیل‌ها، طبعاً این اثرگذاری کمتر است، بنابراین نباید انتظار داشت که فضای سبز بتواند در هر شرایطی وظیفه سنگین کاهش آلودگی‌ها را به تنهایی برعهده بگیرد.



همانگونه که خداوند درباره دارائی بنده از او سؤال می‌کند، درباره مقام و موقعیتش نیز سؤال می‌نماید و می‌فرماید: بنده من! من به تو مقام و موقعیت دادم. آیا به وسیله آن ستم‌دیده‌ای را یاری رساندی یا غمزه‌ای را یاری کردی؟

پس از ایمان به خداوند، سرآمد تمام اعمال؛ بشر دوستی و نیکی به همه مردم است. خواه خوب و درستکار باشند یا فاسق و گناهکار.

حضرت محمد (ص) پیام آور مهربانی و رحمت
منبع: مستدرک ۲، ص ۶۷ و ۴۲۹/۱۲



خطر مصرف بی‌رویه سموم و کود شیمیایی حوزه کشاورزی بر سلامت انسان و محیط زیست



مهندس سید محمد حسینی
پژوهشگر علوم زیستی و مدرس دانشگاه

مصرف بیش از حد استاندارد سموم و کود در حوزه کشاورزی، اثرات مخربی بر سلامت و محیط زیست به جای می‌گذارد. به طوری که گاه سلامت محصولات را تحت تاثیر قرار داده و منجر به کاهش کیفیت مواد غذایی می‌شود. طی سال‌های اخیر و به ویژه بر اثر تحریم‌هایی که در زمینه واردات محصولات مورد نیاز در بخش کشاورزی وجود داشت، استفاده از سموم و کودهای نامرغوب چینی که بعضاً هیچگونه مجوزی برای مصرف آن در کشور صادر نشده بود و تنها به دلیل اثر بسیار قوی که دارند با سموم دیگر ترکیب شده و در نتیجه محصولی در ظاهر سالم، اما در حقیقت ناسالم را در اختیار مشتریان قرار می‌داد، رواج یافته که رفع این معضل نیازمند برنامه‌هایی بلندمدت اما فشرده است.

مصرف بیش از حد کود و سموم شیمیایی در حال حاضر زیان‌های فراوانی را به محیط زیست و سلامت عمومی مردم وارد کرده است. بر اساس تحقیقات بدست آمده، مصرف سموم و کودها در استان‌های شمالی کشور چندین برابر دیگر استان هاست، از اینرو آمار سرطان‌های گوارشی و تنفسی در این استان چندین برابر میانگین متوسط کشور است. مصرف بیش از حد کودهای شیمیایی در مزارع و باغ‌ها تهدیدی جدی علیه سلامت انسان است. به عنوان مثال، کود اوره که به علت ارزان بودن به مقدار زیادی مصرف می‌شود بعد از استفاده در محصولاتی از جمله: پیاز و سیب زمینی به نیترات تبدیل شده و در آن تجمع می‌یابد. «نیترات»، طی یکسری واکنش‌هایی در بدن انسان، تبدیل به موادی سرطان‌زا بنام نیتروزآمین‌ها می‌شود و موجب سرطان دستگاه گوارش، ناهنجاری‌های عصبی و اختلال در سیستم غدد درون ریز و سیستم ایمنی بدن می‌شود. مواد حاصل از تغییرات نیترات در بدن، در صورت انتقال از طریق شیر





مادر به نوزاد موجب اختلال در اکسیژن رسانی خون شده و حتی منجر به مرگ نوزادان می‌شود. مصرف بی‌رویه کودهای فسفاته نیز پس از مصرف در گیاهانی مانند: سیب زمینی، سم «کادمیوم» تولید می‌کنند که «کادمیوم» نیز علاوه بر خاصیت سرطان زایی، باعث کوتاهی قد در کودکان و اختلال در کارکرد کلیه‌ها می‌شود. پایداری «کادمیوم» در خاک خیلی زیاد است. گیاهان، فسفات و کادمیوم همراه آن را با سرعت از خاک جذب می‌کنند. انسان و دام با خوردن گیاه آلوده، «کادمیوم» را وارد بدن خود می‌کنند. «کادمیوم»، ممکن است موجب بیماری‌های تنفسی، گوارشی، کلیوی، استخوانی و سرطانی در انسان شود.

آنچه که مصرف انواع کود و سموم نامرغوب را نگران‌کننده می‌کند - علاوه بر تأثیر آن بر سلامت محصولات و متعاقباً مصرف‌کنندگان - تأثیر این سموم در خاک است. تا جایی که این خاک‌ها تحت تأثیر این سموم خاصیت تولیدی خود را از دست داده و تا سالیانی طولانی سلامت غذایی را تحت تأثیر قرار می‌دهند. همان طور که پیش‌تر اشاره شد، کود اوره که هر ساله به مقدار زیادی وارد خاک شالیزار یا مزارع سبزیجات می‌شود، به شکل «نیترات» و «نیتريت» وارد سفره‌های آب زیرزمینی شده و آب و خاک را آلوده و متعاقباً آن برنج یا دیگر گیاهانی که در شمال کشت می‌شوند را مسموم می‌کند. این گیاهان که به مصرف انسان یا دام می‌رسند نیز در اثر جذب بیش از حد اوره به بدن انسان یا دام، سلامت آنها را به خطر می‌اندازند.

کیفیت سموم در سال‌های اخیر به شدت کاهش یافته است و متأسفانه، مصرف سموم در باغات، گلخانه‌ها و مزارع نسبت به گذشته رشد قابل توجهی داشته است. همچنین، قیمت سم تقلبی در کشور بسیار پایین است و استفاده از این سموم به خصوص در گلخانه‌ها رو به افزایش است. به طور مثال، بیشترین حجم استفاده از سم پرخطر «دیازینون» در شالیزارهای استان‌های شمالی کشور است و این تحت شرایطی است که هم اکنون در تمام کشورهای اروپایی و آمریکایی مصرف این سم خطرناک که عوارض بسیار مخربی برای محیط زیست و سلامت مردم به همراه دارد، ممنوع شده است. یکی دیگر از انواع سموم پرکاربرد، سموم کلره می‌باشد. خاصیت از بین بردن آفات توسط این نوع سموم موجب آن شد که کشاورزان رغبت بسیار زیادی در استفاده بی‌رویه و نامناسب از این سم را داشته باشند، بدون اینکه از اثر این سم حتی بعد از ۳۰ تا ۴۰ سال آگاه باشند؛ اثری که در قالب بروز بیماری سرطان خود را نشان خواهد داد.



- راهکارهای پیش رو جهت مقابله با این معضل از دیدگاه نگارنده پیشنهاد می‌گردند:
- ۱- یافتن روش‌های ایمن، مناسب، اقتصادی و بادوام جهت کنترل و کاهش خسارت آفات و بیماری.
 - ۲- ترویج و توسعه تولید محصول ارگانیک و فرهنگ سازی عمومی برای شهروندان و مسئولان در رسانه‌ها و مراجع علمی، فرهنگی، دانشگاهی و مدیریتی کشور جهت تولید محصول سالم.
 - ۳- استفاده از ارقام مقاوم به آفات یا بیماری خاص مربوط به گیاه.
 - ۴- بکارگیری فنون کشاورزی پایدار و استفاده از روش‌های مبارزه تلفیقی با آفات و بیماری (IPM).
 - ۵- بالا بردن قیمت سموم شیمیایی و در مقابل تخصیص یارانه دولتی به عرضه سموم طبیعی و دوستدار محیط زیست و همچنین، تولید کودهای طبیعی.





از محصولات ارگانیک برای تغذیه بهره بگیریم!

پروانه ترابی

محصولات ارگانیک محصولاتی هستند که در تمام مراحل رشد با سیستم طبیعی هماهنگ بوده و در خاکی که از چند سال قبل هیچ گونه سموم دفع آفات گیاهی نظیر: علف هرزکش‌ها، قارچ کش‌ها و یا مواد شیمیایی در آن استفاده نشده و فقط با مواد طبیعی مانند: کمپوست گیاهی تقویت می‌شوند، رشد کنند. از سوی دیگر در ترکیبات میوه‌های ارگانیک هیچ گونه اصلاح ژنتیکی صورت نمی‌گیرد و از گاز برای رشد زودرس میوه‌ها استفاده نمی‌شود. به همین دلیل رنگ این نوع میوه‌ها طبیعی بوده و نه خیلی پررنگ یا کم رنگ تر از حد معمول هستند. بافت آنها مناسب و خیلی نرم یا سفت نیست. اندازه میوه‌ها هم متعادل بوده و طعم و بوی طبیعی و مناسبی دارند که البته بارزترین ملاک تشخیص میوه‌های ارگانیک از غیر ارگانیک هم همین طعم و بوی طبیعی شان است. به علاوه، پوست میوه‌های ارگانیک کاملاً متناسب با میوه بوده و زیاد ضخیم نیست. از همه مهم‌تر آن که در این نوع محصولات به علت کاهش آلودگی خاک به کودها و سموم عناصر مفیدی مانند: «کلسیم»، «آهن»، «فسفر»، «منیزیم» و «ویتامین C» در آنها باقی می‌ماند. کشاورزی ارگانیک سلامت خاک‌ها، گیاهان، حیوانات، انسان‌ها و کره زمین را که هیچ یک از دیگری مجزا و مستقل نیست را مهم می‌داند، بطوری که سلامت افراد و جوامع انسانی از سلامت اکوسیستم مجزا نبوده و خاک‌های سالم، محصولات سالم، و حیوانات سالم را بوجود می‌آورند و در نتیجه، منجر به سلامت جوامع انسانی می‌شود. کسانی که محصولات کشاورزی ارگانیک را تولید، فرآوری، تجارت و یا مصرف می‌نمایند باید از محیط عمومی شامل: باغ‌ها، اقلیم‌ها، مکان‌های طبیعی، زیستگاه‌ها و آب و هوا حمایت کنند. کشاورزی ارگانیک به کاهش فقر و حاکمیت غذای سالم کمک می‌نماید. استفاده از محصولات ارگانیک برای حفظ سلامت و رشد مطلوب همگان توصیه می‌گردد.



انرژی‌های خورشیدی

هومن رجبی پور
متخصص مکانیک بیوسیستم

خورشید این گوی غول پیکر درخشان، هستی بخش منظومه شمسی و تأمین‌کننده نور، گرما و انرژی‌های دیگر در جهان ماست. تقریباً تمامی منابع انرژی روی زمین بوسیله خورشید تأمین می‌شود. فقط انرژی اتمی، انرژی داخلی زمین و آن قسمتی از انرژی جزر و مد که بوسیله نیروی جاذبه ماه می‌باشد، بوسیله خورشید تأمین نمی‌شود.

انرژی خورشید به واسطه واکنش‌های ترکیبی اتمی در اعماق هسته آن تولید می‌شود. انرژی که پس از پیمودن هزاران سال نوری، با رسیدن به سیاره زمین حیات را برای ما به ارمغان می‌آورد. انسان برای استفاده از انرژی خورشیدی راه طولانی را طی کرده است، از روشن کردن آتش و پخت و پز در قرن هفتم قبل از میلاد مسیح گرفته تا به پرواز در آوردن هواپیماهای تجاری در سال ۱۹۸۱ میلادی؛ اما در سالهای اخیر با پیشرفت‌های روزافزون علم و تکنولوژی و با کشف راه‌های استفاده هر چه بهتر و پر بازده تر از این منبع پاک، انرژی خورشیدی به طور گسترده در صنایع کوچک و بزرگ و حتی برای مصارف خانگی مورد استفاده قرار گرفته است.

یکی از انواع کاربردهای انرژی خورشیدی استفاده از آن برای تولید برق است. در این روش با استفاده از سلول‌های فتوالکتریک یک جریان الکتریکی به وجود می‌آید که از آن می‌توان جهت مصارف عمومی و کشاورزی، به صورت نیروگاه‌های مستقل از شبکه سراسری یا سیستم‌های متصل به شبکه سراسری با ساختار نصب ثابت و یا متحرک در واحدهای کوچک باتوان پائین جهت تأمین انرژی الکتریکی مورد نیاز ماشین حساب‌های کوچک تا سیستم‌های بزرگ نیروگاهی استفاده کرد.

سلول فتوالکتریک، وسیله‌ای است که وقتی نور بر آن می‌تابد، یک جریان الکتریکی را به وجود آورده و جاری می‌کند. این عمل معمولاً با تابیدن نور بر ماده‌ای به نام «کاتد» انجام می‌گیرد. نور باعث خروج الکترون‌ها از کاتد می‌شود. در نتیجه، با تابش نور بر کاتد، جریان الکتریکی به وجود می‌آید. میزان تابش انرژی خورشیدی در نقاط مختلف جهان متغیر بوده و در کمربند خورشیدی زمین بیشترین مقدار را داراست.



کشور ایران نیز در نواحی پرتابش واقع است و مطالعات نشان می‌دهند که استفاده از تجهیزات خورشیدی در ایران مناسب بوده و می‌تواند بخشی از انرژی مورد نیاز کشور را تأمین نمایند. در ایران حدود ۳۰۰ روز آفتابی وجود دارد که در بیش از دو سوم آنها میانگین تابش آفتاب ۵/۵ کیلووات ساعت بر متر مربع است، در نتیجه اگر مساحتی معادل ۱۰۰×۱۰۰ کیلومتر مربع زمین را به ساخت نیروگاه خورشیدی فتوولتائیک در مناطق جنوبی ایران اختصاص دهیم، برق تولیدی آن معادل کل تولید برق کشور در سال ۱۳۸۹ خواهد بود. انرژی خورشیدی منبعی سبز، قابل اطمینان و در دسترس است که می‌تواند صورت‌های مختلف انرژی را تولید کند و اگر از آن به خوبی بهره برداری شود؛ سهم بزرگی در جهان آینده بشر خواهد داشت.





بررسی روند مغزشوئی در تاریخ

واژه «مغزشوئی» اولین بار در سال ۱۹۵۱ میلادی و در غرب استفاده شد. «هانتز»، خبرنگار آمریکایی؛ کتابی با عنوان مغزشوئی در «چین سرخ» به چاپ رساند. او اولین کسی بود که در مورد این پدیده می‌نوشت. یافته‌های وی بر پایه مصاحبه‌اش با چینی‌ها و غیر چینی‌هایی بود که از چین آمده بودند و از مرز «هنگ کنگ» گذشته بودند. آنها به او گفتند که کمونیست شدن، به معنای خلاصی از بقایای سیستم اعتقادی کهنه است و بطور عامیانه "هسته نائو" نامیده می‌شود که در لغت به معنی شستن مغز یا پاک کردن ذهن است.

سوء استفاده‌های روانی از فکر و ذهن افراد چه در گذشته و چه در زمان حال از نظر آمریکایی‌ها مهم تلقی نمی‌شد، زیرا آنان اعتقاد داشتند که در سرزمین آنها چنین اتفاقی نمی‌افتد، ولی بعدها اتفاقاتی در «کالیفرنیا» رخ داد و بسیاری را وادار نمود تا دریابند که این قبیل سوء استفاده‌ها در آمریکا هم ممکن است اتفاق بیوفتد. «چارلز منسون»، در سال ۱۹۶۹ دسته‌ای از جوانان طبقه متوسط را به پذیرفتن عقاید دیوانه وار خود وادار کرد. تحت تأثیر و کنترل او، پیروانش قتل‌های متعدد و شرورانه‌ای را مرتکب شدند. این قبیل اتفاقات از دهه ۱۹۳۰ میلادی، تا زمان حال نشان می‌دهد که هویت شخص پس از مغزشوئی بسیار شکننده است. برخی افراد پول پرست بر تکنیک‌های مجاب سازی دست یافته و آنها را تکمیل کرده‌اند، بطوری که جامعه را زیر رو نموده‌اند. «منسون» به عنوان رهبر جماعتی که با نام «خانواده منسون» در دهه ۱۹۶۰ میلادی در کالیفرنیا فعال بودند، شهرت دارد. وی در سال ۱۹۷۱ به خاطر قتل «شرون تیت» و «لنو و ژوماری لایانکا» که توسط تعدادی از افراد خانواده منسون و به دستور شخص او انجام شد، محاکمه شد و

اکنون در زندان است. او و پیروانش طی دو شب در ماه اوت ۱۹۶۹ هفت نفر را به ضرب چاقو یا گلوله کشتند. افراد خانوادهٔ منسون از نظریهٔ او با عنوان «درهم و برهمی» پیروی می‌کردند. چارلز منسون، در «درهم و برهمی» وقوع جنگی را مابین نژاد سیاه و سفید پیش‌بینی کرده که بر اثر تنش‌های نژادی در دورهٔ آخرالزمان رخ می‌دهد. وی پیش‌بینی کرده بود که طی دوران جنگ موعود ایالات متحده ویران خواهد شد و پس از پایان جنگ «خانوادهٔ منسون» قدرت را در دست خواهد گرفت.

اگر «جرج اورول» امروز زنده می‌شد، ممکن بود به واسطه کثرت تکنیک‌های خام کردن ذهن و سوء استفاده فکری شگفت زده شود. «اورول» اولین کسی بود که دریافت زبان کلید سوء استفاده ذهنی است. روند مغزشوئی، مثل تجربه تب یا درد نیست. این پدیده یک انطباق اجتماعی غیر قابل رؤیت است. افرادی که سوژه می‌شوند، از فرآیند نفوذ که در جریان است، آگاه نیستند. «کاردینال مینز سزنتی» در خاطراتش می‌نویسد: "بدون آگاهی از اتفاقاتی که در من رخ داد، من فرد متفاوتی شده بودم." در گروه‌های



فرقه‌ای یک عضو همیشه اشتباه می‌کند و سیستم همیشه درست می‌گوید. به عنوان مثال، یک عضو فرقه به مافوقش بطور خصوصی شکایت کرد که او تردید دارد تا طبق دستور فرقه، پدرش را بکشد. در جواب به او گفته شد که او به تعالیم بیشتری برای فائق آمدن بر این ضعف آشکارش نیاز دارد، چراکه تا به حال می‌بایست خیلی متعهدتر از این به گروه شده باشد.

برنامه بازسازی فکری، فرآیند تدریجی شکستن فرد است که در نتیجه، یک رفتار روانی جدید و دیدگاه نو شکل می‌گیرد. بازسازی فکری از آنجا که باعث تغییر نگرش فرد به جهان می‌شود و رفتار او را عوض می‌کند، بسیار نگران‌کننده است. تاکتیک‌های روند بازسازی فکری به صورت زیر برنامه ریزی می‌شوند:

۱. نامتعادل کردن حس خویشتن فرد.
۲. وادار کردن شدید فرد به بازخوانی تاریخ زندگی‌اش و عوض کردن جهان بینی‌اش بطور ریشه‌ای و قبول صورت جدید واقعیت.
۳. بوجود آمدن وابستگی به سازمان در فرد.



سیری در تاریخ

ثبت و احوال از گذشته تا به امروز

ثبت احوال به صورت یکپارچه و منسجم در جهان مربوط به قرن نوزدهم میلادی است. در ایران همزمان با نوسازی و مدرنیزاسیون و نیاز به شناسایی اتباع جهت ایجاد ارتش منظم، اخذ مالیات و... تأسیس ثبت احوال در دستور کار قرار گرفت. از اینرو در جلسه مورخ ۳۰ آذر ماه ۱۲۹۷ هجری شمسی به تصویب هیأت وزیران رسید و با صدور اولین شناسنامه برای دختری به نام فاطمه ایرانی در تاریخ ۳ دی ماه ۱۲۹۷ در تهران فعالیت خود را آغاز کرد.

تا قبل از سال ۱۲۹۵ هجری شمسی ثبت وقایع حیاتی از جمله ولادت و وفات بر اساس اعتقادات مذهبی و سنت‌های رایج در کشور، با نگارش نام و تاریخ ولادت مولود در پشت جلد کتب مقدس از جمله قرآن مجید به عمل آمد و از افراد متوفی نیز جز نام و تاریخ وفات آنان که بر سنگ قبر ایشان نگاشته می‌شد اثری مشاهده نمی‌گردید. با گسترش فرهنگ و دانش بشری و نیز توسعه روزافزون شهرها و روستاها و افزایش جمعیت کشور، نیاز به سازمان و تشکیلاتی برای ثبت وقایع حیاتی ضروری اجتناب ناپذیر می‌نمود. به تدریج فکر تشکیل سازمان متولی ثبت ولادت و وفات و صدور شناسنامه برای اتباع کشور قوت گرفت. ابتدا سندی مشتمل بر ۴۱ ماده در سال ۱۲۹۷ هجری شمسی به تصویب هیأت وزیران رسید و اداره‌ای تحت عنوان اداره سجل احوال در وزارت داخله (کشور) وقت به وجود آمد. پس از تشکیل این اداره اولین شناسنامه به شماره شناسنامه ۱ در بخش ۲ تهران در تاریخ ۱۶ آذر ماه ۱۲۹۷ هجری شمسی به نام فاطمه ایرانی صادر گردید.

پس از این دوره اولین قانون ثبت احوال مشتمل بر ۳۵ ماده در خرداد سال ۱۳۰۴ هجری شمسی در مجلس شورای ملی وقت تصویب شد و بر اساس این قانون مقرر گردید کلیه اتباع ایرانی در داخل و خارج از کشور باید دارای شناسنامه باشند. سه سال پس از تصویب اولین قانون ثبت احوال یعنی در سال ۱۳۰۷ هجری شمسی قانون جدید ثبت و احوال مشتمل بر ۱۶ ماده تصویب گردید.



بر اساس این قانون وظیفه جمع آوری آمارهای مختلف نیز به اداره سجل احوال معرفی گردید، به همین جهت نام این اداره احصائیه و سجل احوال تغییر یافت. از آن تاریخ به تناسب شرایط زمانی تغییر و تحولات بوجود آمده در کشور و با احساس عدم تناسب قوانین موجود بانایزهای جامعه، قانون ثبت و احوال نیز به دفعات مورد تجدید نظر، تغییر و اصلاح قرار گرفت. متعاقبا در اردیبهشت سال ۱۳۱۹ قانون نسبتا جامع و کاملی مشتمل بر ۵۵ ماده تصویب گردید و پس از آن آئین نامه مربوط به این قانون نیز در همان سال مشتمل بر ۱۳۱ ماده تصویب شد. این قانون به جهت جامعیت نسبی قریب ۳۶ سال پایدار ماند.

پس از گذشت این زمان در تاریخ تیرماه ۱۳۵۵ قانون جدید ثبت احوال مشتمل بر ۵۵ ماده به تصویب رسید و سپس به موجب اصلاحیه‌ی دی ماه سال ۱۳۶۳ مجلس شورای اسلامی در برخی از مواد اصلاحاتی صورت گرفت و تا کنون نیز این قانون به قوت خود باقی مانده است.

چشم‌انتظار

نویسنده: بانو صدیقه انجم شعاع

صدیقه انجم شعاع بانویی است که جبهه و جنگ را با تمام وجود خود در مناطق جنگی احساس کرده و از خاطراتش می‌نویسد.



چند ساعت بود که ریخته بودنشان بالای ایفا و می‌بردنشان. سه تا از بچه‌ها زخمی بودند. بقیه هم سرو صورت هایشان خاکی، خسته و کوفته. ماشین نظامی در جاده ناهموار زوزه می‌کشید و می‌رفت جلو. او کز کرده بود لابلای هفده هجده اسیر دیگر. دستهایش از پشت بسته بود. مثل بقیه. چشم دواند روی زخم ساق پایش که هنوز خون تازه از آن بیرون می‌آمد. اسمش «دلاور» بود. بچه‌های مقر، بهش می‌گفتند: تپلی. تپل بود. بیشتر گونه‌هایش تو ذوق می‌زد. با چشمهای درشتش. اما چند روز بود که رنگش زرد شده بود. چشمهایش رمق نداشتند. خون زیادی از بدنش رفته بود. تشنه بود. لبهایش شکاف برداشته بودند، از خشکی و تشنگی. به دوستانش که نگاه می‌کرد، همه همین‌طوری بودند. وقتی رسیدند، شب شده بود. ماشین ایستاد. نمی‌دانست کجا؟ توی تاریکی هیچی معلوم نبود، فقط ستاره‌های آسمان بودند که چشمک می‌زدند.

«کلثوم» حصیر کوچک زیر پایی‌اش را پهن کرد گوشه حیاط. تنها بود. چراغ سه فتیله‌اش را روشن کرد و قابلمه کوچکی رویش گذاشت. از توی فلاسک، چایی ریخت و خورد. دانه‌های تسبیح شب نما از لابلای دو انگشت دست راستش، یکی یکی رد می‌شدند. ذکر می‌گفت. نگاهش افتاد به درخت سیب گلاب وسط باغچه. سیب‌های رسیده‌اش چسبیده بودند به شاخه‌های درخت، زیر نور ماه برق می‌زدند. امسال مثل سالهای پیش نبود. «دلاور» نبود که از درخت سیب بالا برود و سیب‌ها را بچیند یا خودش را بکوبد به تنه‌ی درخت تا سیب‌های رسیده بیوفتند. کلثوم نگاهش را از درخت گرفت

چه بلایی سرت اومده پسر! «دلاور» خندید. گفت: «چیزی نشده مادر.» مادر گفت: «چطور چیزی نشده، داره ازش خون میاد.» «کلثوم» کنار حوض بی حرکت مانده بود. «دلاور» نبود. از وقتی «دلاور» یکی یکدانه‌اش رفته بود جبهه، گاه و بیگاه صدایش می‌پیچید توی گوشش. تا آخر اهروراهی نمانده بود. نشمرده، پانزده شانزده تا باتوم خورده بود. یک خط خون از سرش راه افتاده بود. روی گونه‌های تپلش. دهانش مزه شوری خون می‌داد. سربازها انگار از تن پر گوشتش خوششان آمده بود، به او محکم تر ضربه می‌زدند. اهروری کتک زدن به انتها رسید. تنش کرخت شده بود از ضربه. افتاد. از هوش رفت انگار. کوچک شد. پنج ساله. خورده بود زمین، کنار حوض حیاط خانه شان. مادر دوید و زیر بغل هایش را گرفت. کمکش کرد تا بلند شود. چشم دوخت تو چشمهای مشکی قشنگش. گفت: بلند شو پسر! نمی‌توانم، تنم درد می‌کنه مادر! دردت بجوم، پاشو، طاقت داشته باش، تو دیگه مرد شدی. «دلاور»، احساس کرد کسی دستهای بسته‌اش را باز می‌کند. لای چشم هایش را به سختی باز کرد. صورتی آشنا، توی قاب نگاهش نشست. لبخند بر لب داشت. «دلاور»، دستهایش را از پشت به جلو آورد. مچ هایش را مالش داد. صورت آشنا، او را از زمین بلند کرد. ایستاد. هنوز گیج بود. لبهایش مثل چوب خشک بودند، رمق نداشت حرف بزند. چند قدم راه رفت. لنگان لنگان. صورت آشنا متوجه زخم ساق پایش شد و شلوار پاره و خونی اش. شانسه‌اش را ستون بازویش کرد. «دلاور»، چند گام دیگر جلو رفت. دوستان منتظرش بودند. کم کم حالش بهتر می‌شد. صورت آشنا را شناخت. دوستش بود. یادش آمد. عملیات قبلی مفقود شده بود، حالا اینجا او را اسیر می‌دید.

«کلثوم» دیوار خط خطی زیرزمین را خیلی دوست می‌داشت. هر روز سه تا پله حیاط منتهی به زیرزمین را طی می‌کرد. به خط خطی‌های دیوار سر می‌زد و یک خط جدید می‌کشید. تا حالا شده بودند ۷۸۸ تا خط، یعنی ۷۸۸ روز بی‌خبری، یعنی از روزی که دیگر نامه‌ی «دلاور» نرسید. «دلاور» فقط سه نامه برای مادرش نوشته بود. «کلثوم» عادت کرده بود به سلام‌های قشنگ «دلاور» که تو نامه می‌نوشت. از بابایش ارث برده بود خوب نوشتن را. پدر «دلاور» معلم ادبیات بود. شعر می‌گفت. «کلثوم» برای غروب عمر شوهرش هم یک نشانه داشت. درست پنج سالگی دلاور. رفته بود برای جشن تولد پسرش شیرینی بخرد که خیرش را آوردند. «کلثوم» بی‌خبری از دلاور را قبول نکرد. دلش راضی نمی‌شد. گواهی نمی‌داد. گفت منتظر می‌مانم. تا آخر عمر.

«دلاور» دیگر تپلی نبود. گوشت تنش آب شده بود حسابی. بجاش خیلی چیزها یاد گرفته بود. بیشتر از مدرسه و دبیرستان. زبان عربی و انگلیسی‌اش هم خوب شده بود. اینجا، بهش می‌گفتند: مامانی! از بس که یکریز از قول مادرش حرف می‌زد. یک روز جمعه، برای دلاور روز خیلی خوبی بود. دوست نقاشش توانسته بود از تعریف‌های او، بعد از سالها، برایش یک تصویر نزدیک به چهره‌ی مادرش بکشد. خیلی شبیه شده بود. «دلاور»، یک جبه قند توی کمی آب حل کرد و به جای چسب، کاغذ طرح سیاه

قلم صورت مادرش را چسباند روی دیوار، بالای جای خوابش. شب نشده بود که دو ننگه‌ی در آسایشگاه با سرو صدا از هم فاصله گرفت. سه سرباز عراقی و افسر مافوقشان وارد شدند. مأمورها آمده بودند چند نفر را با خود ببرند. خبرچینی، جلسه قرآن بچه‌ها تو این موقع از روز را لو داده بود. افسر مافوق دنبال بهانه می‌گشت.

ناگهان چشمش افتاد به عکس مادر دلاور. غضبناک پرسید: «این مال کیه؟» سکوت جوابش بود. یکی از سربازها رفت جلو و محکم کوبید تو پهلو‌ی بابا بزرگ کنار دستی دلاور. او پیر نبود. پرسن تراز بقیه بود. بچه‌ها صدایش می‌زدند بابا بزرگ. دلاور دلش سوخت. طاقت نیاورد. از جایش بلند شد و رفت روبروی مافوق ایستاد. با انگشت اشاره کرد به عکس و گفت: «این مال منه. تصویر مادرمه.»

افسر عراقی با زشتی پوزخند زد. مسخره کرد. گفت: «مادرت، چقدر زشت است!» آب دهانش را گستاخانه پرت کرد سمت عکس. ناگهان رگ شقیقه‌های دلاور متورم شد. کاسه‌ی چشم‌هایش به رنگ خون درآمد. مشتش را گره کرد و با خشم کوبید به چانه افسر. انگار صدای شکستنی پیچید تو فضا. خون جمع شد تو دهان عراقی. از درد با عصبانیت فریاد کشید. دو سرباز دویدند و بازوهای دلاور را محکم چسبیدند. سرباز دیگر با اشاره مافوق خود را مقابل دلاور رساند و با مشت و لگد افتاد به جانش. هیچ‌کس نمی‌توانست کاری بکند. افسر مافوق تصویر مادر را از سینه‌ی دیوار کند و جلوی چشمان دلاور که کتک می‌خورد، پاره کرد. ریز ریز و پرت کرد توی صورتش. دلاور مشت و لگدها را خورد و آخ نگفت. مافوق یادش رفت برای چه به آسایشگاه آمده بود، به سربازها که از زدن دلاور خسته شده بود، اشاره کرد که بروند. سربازها دلاور را رها کردند روی زمین و رفتند. در آسایشگاه با صدای گوشخراشی بسته شد. بچه‌ها جمع شدند اطراف دلاور. می‌خندیدند. احسنت به دلاور، خوب چانه‌اش را آوردی پایین. دلاور دست به شکمش گرفته بود. بابا بزرگ با دستمال جیبی اش، خون بینی دلاور را پاک کرد. دلاور نشست خود را تا کنار جای خوابش کشاند. دست زیر پتویش برد. یک تصویر دیگر از مادر بیرون آورد و دوباره چسباند به دیوار. بچه‌ها صلوات فرستادند.

«کلثوم» قاب عکس دلاور را توی لباس رزمندگی که چند سال پیش از جبهه برایش فرستاده بود، از روی طاقچه برداشت. گرد و خاکش را با پرورسری پاک کرد. بوسید و به سینه گرفت. گذاشت روی قلبش. گفت: الان تو کجایی پسرم؟ کاش می‌دانستم. مادر دراز کشید گوشه اتاق. چشم انتظار خسته‌اش کرده بود. تنها بود. به عکس دلاور گفت: «می‌گویند اسیرها آزاد می‌شوند. به همین زودی. کاش تو هم اسیر باشی و برگردی!» کلثوم چشم‌هایش را گذاشت روی هم. آه کشید. قاب عکس دلاور بر روی سینه اش، با هرنفس کشیدن، بالا و پایین می‌رفت. دمدمای صبح، چراغ اتاق کلثوم روشن نشد. صدای نماز و قرآن خواندنش هم نیامد. با طلوع خورشید، قاب عکس دلاور دیگر روی سینه‌ی مادر، بالا و پایین نمی‌رفت.



سبک‌های نقاشی

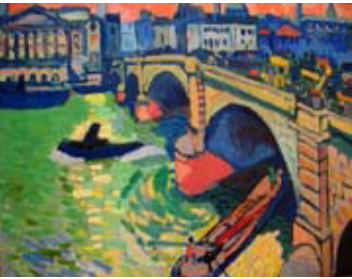
فووها

کارشناس هنری: بانو مژگان برکوک رام



بعد از دوران امپرسیونیسم و هنرمندان آن دوره از قبیل: «گوکن»، «سزان»، «لترک»، «پووی د شاون» و ... دوران فووها آغاز شد. نقاشان عمده این گروه که به آنها فووویسم می‌گفته‌اند، عبارت بودند از: «ماتیس»، «مارکه ولانیک»، «روئو»، «درن»، «فری یز» و «وان دنگن».

در آن زمان سروزیه به یکی از دوستانش نوشت: "نقاشانی جدید هجوم آورده‌اند که تأکیدشان برعواطف است و این کاری است که ما ۱۵ سال پیش می‌خواستیم انجام دهیم." معروف‌ترین فووها، «هانری ماتیس» بود. او فرزند یک تاجر بود و در خانواده‌ای مرفه پرورش یافت. او در پاریس شاگرد فرو بود.



هدف های ماتیس و دوستانشان را می توان اینطور خلاصه کرد: تصویر، یک فضای معنوی است. از هرگونه سه بعدی نمایی باید دوری جست. شکل های طبیعی باید از نظم معنوی تصویر پیروی کنند. نور باید به واسطه رنگ بیان شود. گستره تصویر باید با قطعات رنگی مفصل بندی شود. از نظر ماتیس، بیان؛ در روش تفکر من عبارت از بازتاب انفعالات بازتابنده بریک چهره است. این ها اهداف نقاشان فوویسم بود. گروهی که پیرامون «ماتیس» شکل گرفت، تجربه هایش را پیگیرانه ادامه داد و مرتباً در نمایشگاه های «سالن پاییزی» شرکت جست و پیروان بیشتری پیدا کرد؛ اما دستاوردهای فوویسم برای نقاشی نوین چه بود؟ فوویسم در واقع، اقدام تازه و قاطع نسلی جوان در کار بست آزادانه رنگ با تکیه بر میراث ونگوگ، گوگن و شرا بود. فووها در شرا و سینیاک رنگ خالص را یافته و از ونگوگ غریزه هنری را!

«آراگون» می گوید: «کافی است ماتیس را به حال خود واگذاریم تا دستانش ناچیزترین و پیدایش پا افتاده ترین اشیاء را به تجمل واقعی تبدیل کند.» «ماتیس»، دیدی زیبا شناختی داشت و این زیبایی ها می توانستند کاشی های ایرانی، بافته های شرقی، قالی های پرنقش و نگار و زنان حرمسرا باشند. ماتیس از همان ۲۰ سالگی از رنگ به وجد آمد و آنرا وسیله کشف سرور هستی می دانست.



جاذبه‌های گردشگری ایران

موزه‌های تهران

قسمت اول



نیلا وفائیان

کارشناس گردشگری و هتلداری

خیلی‌ها فکر می‌کنند که تهران کلانشهری پر از دود و آلودگی و صدا و راهبندان، بدون داشتن فضاهای تاریخی و فرهنگی است. در صورتی که این تصویری کاملاً اشتباه است. در واقع، می‌توان گفت که مهم‌ترین موزه‌های کشور و قدیمی‌ترین کاخ موزه‌ها؛ در این کلانشهر واقع شده‌اند. همانطور که از مقدمه حدس زده‌اید، می‌خواهم در این شماره و چند شماره‌ی آینده، در مورد مکانهای دیدنی تهران صحبت کنیم. برای شروع معرفی موزه‌های تهران و توضیح جامع‌تر در مورد مهم‌ترین و پربیننده‌ترین آنها را در نظر گرفته‌ایم. تعدادی از موزه‌ها و کاخ موزه‌های تهران عبارتند از: موزه جواهرات ملی، موزه باستان شناسی (ایران باستان)، موزه مردم شناسی، موزه آبگینه و سفالینه، کاخ شهوند، کاخ صاحبقرانیه، کاخ نیاوران، کاخ گلستان، کاخ سعدآباد، کوشک احمدشاهی، کتابخانه و موزه ملی ملک، تماشاگه پول، تماشاگه زمان، موزه آثار طبیعی و حیات وحش ایران، موزه آزادی، موزه تنوع زیستی، موزه سینمای ایران، موطه شهداء، موزه فرش ایران، موزه موسیقی ایران، موزه مطبوعات، موزه علوم پزشکی، موزه هنرهای زیبا، و موزه نظامی ایران.

موزه (خزانه) جواهرات ملی: خزانه فعلی در سال ۱۳۳۴ ساخته و در سال ۱۳۳۹ با تأسیس بانک مرکزی ایران افتتاح و به این بانک سپرده شد و اکنون نیز در صیانت بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران است. جواهرات و قطعات موجود در این موزه در قالب ۳۶ گنجه، دسته بندی شده‌اند که شامل: انواع زیورآلات، تاج و نیم تاج، انواع





جقه، گلدان، شمعدان و قلیان است. معروفترین جواهر موجود در این موزه الماس دریای نور می باشد. بسیاری از جواهرات سلطنتی ایران از دوره صفویه، افشار، قاجار و پهلوی به جا مانده است. برای بازدید از این موزه می توانید روزهای شنبه تا سه شنبه فقط در ساعت ۱۴ الی ۱۶:۳۰ به خیابان فردوسی تهران مراجعه کنید. بهای بلیط برای بازدید کنندگان ایرانی ۴۰۰۰ تومان و برای بازدید کنندگان خارجی ۲۰۰۰ تومان است. همچنین، افراد زیر ۱۲ سال اجازه ورود به این مجموعه را ندارند.

موزه ایران باستان: این موزه اولین موزه ایران می باشد که در سال ۱۳۱۶ برای بازدید عموم افتتاح شد. این موزه نه تنها بزرگترین موزه تاریخی ایران، بلکه از نظر حجم، کیفیت و تنوع آثار، یکی از چند موزه بزرگ جهان و به عنوان موزه مادر محسوب می شود. این موزه هم اکنون دارای دو ساختمان مجزا به نام های موزه ایران باستان (۱۳۱۶) و موزه دوره اسلامی (۱۳۷۵) می باشد و شامل ۱۳ بخش مختلف شامل: مهر و سکه، مرمت، کتیبه ها، کتابخانه، مرکز اسناد، عکاسی، و ... می باشد. برای بازدید از این موزه می توانید همه روزه به جز دوشنبه ها و ایام تعطیل به نشانی خیابان امام خمینی، نیش خیابان سی تیر مراجعه کنید. ساعات بازدید در تابستان ۹ الی ۱۷:۳۰ و در زمستان ۹ الی ۱۶:۳۰ است. بازدید برای کارکنان سازمان میراث فرهنگی و کلیه بازنشستگان به همراه ۳ نفر از اعضای خانواده رایگان می باشد. همچنین، افراد تحت پوشش کمیته امداد، جانبازان، خانواده شهداء، و بسیجیان نیز می توانند به صورت نیم بها از موزه دیدن کنند. هزینه ورود به این موزه برای هر ایرانی ۲۰۰۰ تومان و برای بازدید کنندگان خارجی ۱۵۰۰۰ تومان می باشد.





کاخ موزه گلستان از آثار به جا مانده از دوره زندیه و قاجاریه است. این مجموعه در زمان شاه عباس صفوی ساخته شده است و در زمان کریم خان زند سر و شکلش کاملاً عوض شد، اما اهمیت واقعی این مجموعه به دوران آقا محمد قاجار برمی گردد. منظره کاخ گلستان در یکسری اسکناس های ۵۰۰۰ ریالی از سال ۱۳۴۸ تا سال ۱۳۵۷ چاپ و نشر می شد. بخش های مختلف کاخ عبارتند از: ایوان تخت مرمر، خلوت کریم خانی، تالار سلام، تالار آئینه، تالار برلیان، کاخ شمس العماره، عمارت بادگیر، کاخ ابیض، تالار الماس، چادرخانه و همچنین، موزه مردم شناسی هم که در سال ۱۳۱۴ در فضایی کوچک شکل گرفت و در سال ۱۳۴۷ به کاخ گلستان تغییر مکان داد. شما می توانید جهت بازدید از این مجموعه همه روزه در شش ماه اول سال از ساعت ۹ الی ۱۸ و در شش ماه دوم سال از ساعت ۹ الی ۱۷ به آدرس خیابان پانزده خرداد، میدان ارگ، مجموعه کاخ گلستان مراجعه فرمائید. لازم به ذکر است که بهای بلیط برای بازدیدکنندگان داخلی ۲۵۰۰ تومان و برای بازدیدکنندگان خارجی ۱۵۰۰۰ تومان است و به ازای بازدید از هر موزه و تالارهای مجموعه ۸۰۰۰ تومان تعیین شده است.

در انتهای این مطلب باید اضافه کنم که موزه ها به عنوان یک پدیده انسان ساخت، در شهرها به عنوان یک جاذبه فرهنگی با مأموریت مجری فرهنگ و تمدن و به منظور ایجاد هویت فرهنگی برای گردشگران داخلی و جذب توریسم فرهنگی ایجاد گردیده اند که از این جهت نقش خطیری دارند. به عنوان مثال، موزه ایران باستان نقش قابل توجهی در زمینه ارتقاء آگاهی از تاریخ، فرهنگ و ایجاد غرور ملی برای گردشگران داخلی داشته است و همچنین، برای گردشگران خارجی نیز زمینه آشنایی کلی را با تاریخ و فرهنگ سراسر کشور فراهم نموده است. همچنین، در تحقیقات ثابت شده است که موزه ملی ایران در توزیع گردشگران در کلیه مقاصد گردشگری فرهنگی کشور نقش مؤثری دارد.

حکایت سلطان محمود غزنوی و دو گدا

گویند که در دو طرف درب ورودی کاخ سلطان محمود غزنوی، دو مستمند نشسته بودند. یکی چاپلوس بود و هرکس که رد می‌شد، از وزیر و وکیل و سلطان با چرب زبونی چیزی کاسب می‌شد؛ اما دیگری ساکت بود. گاهی گدای چاپلوی به او می‌گفت: "مگر تو احتیاج نداری، پس چرا از این زبونی که خدا بهت داده استفاده نمی‌کنی بیچاره!" گدای دیگر همیشه جواب می‌داد که کار خوبه خدا درست کنه، سلطان محمود خره کیه! یک روز کسی به سلطان گفت: "قربان قضیه این دو تا گدای دم درب ورودی را می‌دانید؟" گفت: "نه، اتفاقاً می‌خواهم بدانم چرا یکی ساکنه و دیگری پرحرف؟"

سلطان به سلامت باشند، گدایی که ساکت است، گاهی کلامی بر لب می‌راند که بهتر است از جلوی در او را رد کنید. سلطان پرسید: چه می‌گوید؟ پاسخ شنید که وقتی به او می‌گویند، چرا جلوی سلطان و وزیر احترام نمی‌کنی تا صله‌ای بگیری؟ او می‌گوید که کار خوبه خدا درست کنه، سلطان محمود خره کیه! سلطان محمود که عصبانی شده بود، گفت: حالا به او خواهیم گفت که دنیا دست چه کسی است! سلطان فرمان داد که یک مرغ شکم پر برای شام حاضر کنند. مرغ را آوردند و سلطان یک الماس خیلی ارزشمند داخل شکم مرغ گذاشت و گفت: "ببرید برای گدایی که به ما احترام می‌کند تا رفیقش بفهمد همه کاره چه کسی است."

مرغ را برای گدای چاپلوس بردند، ولی از قضا آن شب وزیر هم یک بوقلمون برایش فرستاده بود و او سیر بود. به دوستش گفت: امروز چقدر کار کردی؟ پاسخ شنید: ۳ سکه. گفت: "بیا این مرغ با اینکه خیلی بیشتر می‌ارزه، ولی ۳ سکه رو بده و مال تو". گدای دیگر پاسخ داد که نمی‌خواهم! گفت: "دو سکه بده." جواب داد که نمی‌دهم. گفت: "یک سکه." گفت: "نه، این مرغ روی دست باد کرده و باید دور بیندازیش حالا می‌خواهی سر من کلاه بذاری؟"

گفت: "بیا مجانی برش دار که اینجا بماند بو می‌گیرد!" برداشت و لقمه اول را که خورد الماس را دید. گذاشت جیبش و گفت: "رفیق، شاید از فردا من رو ندیدی، ولی یادت باشد؛ کار خوبه خدا درست کنه سلطان محمود خره کیه!" فرداش سلطان دید، این گدا هست و دیگری نیست. گفت: بیاریدش داخل و از او پرسید که رفیقت کجاست؟ گفت: "دیروز همچین حرفی زد و امروز هم نیامد." سلطان با عصبانیت گفت: "تو چرا دوباره گدایی می‌کنی، مگه من به تو صله ندادم؟" گفت: "بله سلطان ولی چون بوقلمون وزیر را خورده بودم، دادمش به رفیقم." سلطان ابتدا ناراحت شد ولی بعد لبخندی زد و گفت: این جمله که من می‌گویم تو هم تکرار کن وگرنه می‌دهم شلاقت بزندی. بگو: "کار خوبه خدا درست کنه، سلطان محمود خره کیه!"

تحریر از محمد علی کیهانی





دیابتی‌ها انار بخورند!

میوه انار که با نام میوه بهشتی از آن یاد شده است، را بومی کشور ایران می‌دانند، جایی که نزدیک به ۴۰۰۰ سال پیش انار در آن کشت می‌شده است. انار به عنوان جواهر زمستان، در آب و هوای گرمسیر رشد می‌کند. ایران، هند و ایالات متحده آمریکا از کشورهای اصلی عمل‌آورنده انار هستند. قسمت‌های مختلف درخت انار، موارد استفاده فراوانی دارد. از پوست درخت انار در دباغی و داروسازی، از میوه آن برای مصرف خوراکی و از آب انار برای تهیه نوشابه‌ها و نی‌زرب انار استفاده می‌شود. از سایر قسمت‌های انار از قبیل: گل، برگ، پوست شاخه‌های جوان، ریشه و پوست میوه نیز، برای مصارف دارویی و صنعتی استفاده می‌شود. بسیاری از مردم معتقدند که انار درمان‌کننده بسیاری از بیماری‌ها و دردهاست. خواص حیاتی و درمانی در انار شیرین به مراتب بیشتر و کامل‌تر است، زیرا انار شیرین، اناری است که کاملاً رسیده و ترکیبات شیمیایی آن، کامل شده است.

باید یادآور شویم در انار ترش که مواد قندی آن کم‌تر است، مواد اسیدی مانند اسید مالیک و اسیدستریک وجود دارد که، در بعضی از افراد ایجاد ناراحتی می‌کند، ولی به طور کلی برای سلامتی پوست بسیار نافع است. نکته مهم این است که با مصرف انار،





سموم بدن دفع می‌شوند. لازم به ذکر است که کبد وظیفه پاکسازی سموم از بدن را داراست و با مصرف انار تقویت می‌شود. انار برای رفع خستگی و آرامش اعصاب بسیار مفید است. انار یک میوه نیست، بلکه یک پزشک و یک درمان‌کننده بیماری‌های کبد، مسومیت‌های خون، فشار خون، خستگی جسمانی و روانی و بالاخره رفع‌کننده سرماخوردگی و بیماری‌های عفونی و انگل‌های دستگاه گوارش است. بر طبق تحقیقات سازمان کشاورزی ایالات متحده آمریکا، انار منبع خوبی از آنتی‌اکسیدان‌ها، پتاسیم و ویتامین C می‌باشد که بدن را در مقابل بیماری‌هایی نظیر: سرطان و بیماری‌های قلبی - عروقی محافظت می‌کند. انار برای افرادی که سیستم ایمنی ضعیف، مشکلات گردش خون، دریافت پایین غذایی و چربی خون بالا (LDL) دارند، مفید است. نکته قابل توجه، قدرت آنتی‌اکسیدانتی آب انار است که ۳ برابر بیشتر از چای سبز می‌باشد. توصیه شده است که کسانی که سرد مزاج هستند، نباید در خوردن انار افراط کنند؛ زیرا معده را سست کرده و ایجاد نفخ می‌کند. این افراد باید انار را با زنجبیل بخورند.

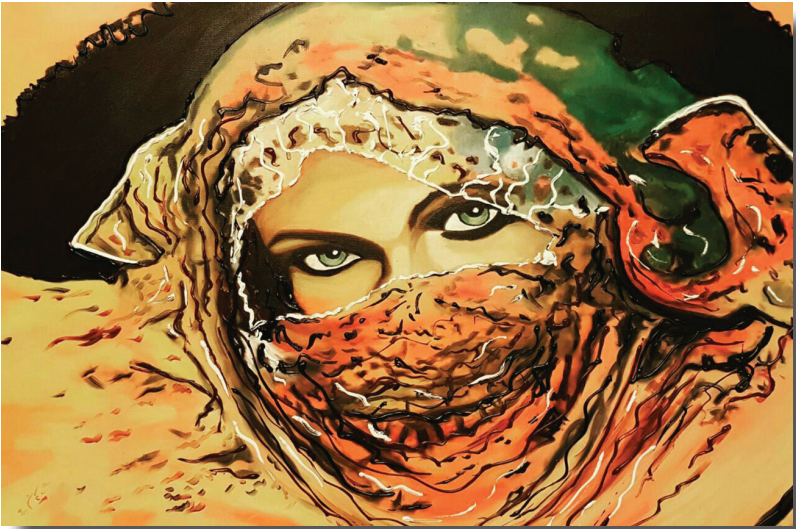
دیابتی‌ها انار بخورند. تحقیقاتی در زمینه مصرف انار روی وضعیت دیابتی‌ها انجام شد. نتایج این تحقیقات نشان داد که انار با وجود ۱۰ درصد قند نه تنها موجب افزایش قند خون در بیماران دیابتی نمی‌شود، بلکه در بهبود وضعیت قلبی عروقی آنها، پیشگیری از وارد شدن صدمات ناشی از بالابودن قند خون به قلب و عروق مفید است.





شعر و طراحی از هنرمند ۷ ساله نکیسا رچائی خراسانی

با خاطرات کودکی
با خاطرات گذشته
با خاطرات شادم
با دوستان قدیمی
در مدرسه، دوستان جدید
می روم با دوستانم
شاد و خندانم



رخ پنهان

اثر هنری از بانو مژگان برکوک رام

آمدم تا طولانی‌ترین شب سال را معنی کنم
آمدم تا آرامش را در آن لحظاتی دریابم که آهسته می‌گذرند
آمدم تا توفالی بر حافظ زخم تا سالم را بار کنم
یلدا در راه است
فصل‌ها، ماه‌ها، دیروز و امروز و امشب هم می‌گذرند
و من باز زیر لب زمزمه می‌کنم آرزویم را
تا که شاید یلدایی رسد و خواسته‌هایم را با تو بیابم، شاید
محمد علیزاده ثانی

پول‌های کوچک شما کارهای بزرگ می‌کنند

اگر حمایت شما نباشد
مادران بی پناه و کودکان بی گناه دوام نمی‌آورند

ما ده سال است که به این خدمت مشغولیم و بسیاری از آنها را نجات داده‌ایم.

وقتی میزان کمک مالی فقط چند تومان باشد برای بسیاری از هموطنان نیکوکار به سادگی امکان‌پذیر است تا در این هم‌پاری خیرخواهانه شرکت کنند. ما در پی تأمین حداقل زندگی هزاران مادر و کودک بی‌گناه و بی‌پناه در تهران و شهرهای دیگر میهنمان هستیم. از ایجاد سرپناه‌های گرم و امن و بهداشتی گرفته تا تأمین پوشاک و تغذیه سالم، مداوای جسمی و روحی و نگهداری از کودکان خردسال و نوزادان، آموزش مادران و آماده سازی آنها برای بازگشت آبرومندانه به جامعه.

این وظیفه همه ما است که سقفی روی سر داریم!

اگر می‌خواهید بیشتر بدانید، با این تلفن‌ها تماس بگیرید:

۰۲۱-۳۵۲۶۰

۰۲۱-۳۳۵۱۰۸۵۱-۳

شماره حساب جاری بانک ملی برای واریز کمک:

۰۱۰۳۸۰۴۲۰۸۰۰۲

شماره کارت بانک ملی برای واریز:

۶۰۳۷۹۹۱۱۹۹۵۰۰۰۳۸



مه‌رفارین

موسسه نیکوکاری
مه‌رفارین پناه عصر

پرداخت با موبایل #۳*۷*۷۳۳*

www.mehrafarinorg.com

